

## نوسازی در عصر قاجاریه و دخالت امپراطوری بریتانیا

حسن شکوه<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸ / ۰۷ / ۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸ / ۰۸ / ۱۰

### چکیده

نوسازی از چه زمانی در ایران شروع شد؟ آیا نوسازی در طول تاریخ ایران یک فرایند طبیعی و محصول تحولات عادی و بومی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بوده است یا یک پدیده تحمیلی و هدایت شده؟. بسیاری از مورخان غربی شروع فرایند نوسازی یا مدرنیزاسیون را از زمان شروع سلسله پهلوی و به‌عنوان فرایند و سیر طبیعی تحولات جامعه ایران می‌دانند. این مقاله سعی دارد با بررسی توصیفی و تبیینی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی، مطالعه شواهد و قرائن و تحولات اقتصادی و اجتماعی اثبات کند که اگر چه فرایند نوسازی نیاز طبیعی جامعه ایران پیش از دوران پهلوی بخصوص از ابتدای دروان قاجاریه بوده است. ولی این جریان در دوران قاجار بدون در نظر گرفتن هویت و بنیادهای اجتماعی ایران با هدایت، کنترل و دخالت کشورهای استعمارگر به‌خصوص انگلیس و با کمک گرفتن از برخی گروه‌های اجتماعی مانند درباریان، روشنفکران، فراماسونری و همچنین سرمایه‌داری وابسته به‌صورت غیر بومی آغاز و تداوم یافته است. این روند باعث عمیق‌تر شدن بی‌ثباتی و وابستگی اقتصادی در دوره قاجار و بعد از آن شده است.

**کلید واژه‌ها:** نوسازی، قاجار، پهلوی، ایران، بریتانیا.

**استناد فارسی** (شیوه APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰): شکوه، حسن (۱۳۹۸، زمستان). «نوسازی در عصر قاجاریه و دخالت امپراطوری بریتانیا». *پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه*، سال دوم، شماره چهارم. صص ۵۳۸-۵۰۷.

<sup>۱</sup>. استادیار گروه علوم سیاسی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ایران. ایمیل: hass\_shokou@yahoo.com

## ۱. مقدمه

بر اساس نظریه‌های موجود، مکتب نوسازی محصول سه رویداد بعد از جنگ جهانی دوم یعنی ظهور آمریکا به عنوان قدرت اول دنیا و افول انگلیس، گسترش جنبش‌های کمونیستی و افزایش نفوذ شوروی، استقلال کشورهای مستعمره و جستجوی آن‌ها برای دستیابی به الگوی توسعه و استقلال اقتصادی بود. در این چارچوب مؤسسات مطالعاتی، دستگاه‌های سیاست‌گذاری و شرکت‌های چندملیتی در غرب برای جلوگیری از ورود کشورهای جهان سوم به بلوک کمونیسم و حل مشکلات اقتصادی، نوسازی اجتماعی - اقتصادی (مدرنیزاسیون) را به عنوان راه توسعه برای این کشورها معرفی کردند. رویکرد نوسازی به عنوان مسیری برای دسترسی به توسعه بر پایه تکامل‌گرایی و انتقال از نظم کهنه به نظم جدید بنا شد. این فرایند براساس تجربه تاریخی اروپا شکل گرفت. بر این اساس ساختار اقتصادی و اجتماعی در کشورهای اروپایی بعد از انقلاب صنعتی مبتنی بر اقتصاد بازار آزاد، دموکراسی پارلمانی و کارکردگرایی یعنی تعادل و هماهنگی میان نهادهای مختلف جامعه اعم از دولت، اقتصاد، مذهب و نظام آموزش پرورش شکل گرفت (آلویس ی سو، ۱۳۷۸). با قوت گرفتن این نظریه غرب بدون توجه به هویت تاریخی جهان عقب نگه داشته شده به دنبال صدور تجربه و هویت خود به این کشورها برای دسترسی به پیشرفت ولی در واقع به خاطر تامین منافع کشورهای استعمارگر بود.

باید به این نکته توجه داشت که مطالعه عملکرد و اهداف سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ از قرن ۱۹ بخصوص انگلستان نشان می‌دهد که نوسازی به معنای تغییر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشورهای تحت استعمار و به دنبال آن تغییر نظام سیاسی بدون توجه به ریشه‌های فرهنگی از اهداف این قدرت‌ها در خارج از مرزهای آن‌ها بوده است. این فرایند از ابتدای قرن ۱۹ و نه بعد از جنگ جهانی دوم به صورت عملی پیگیری می‌شد. ایران یکی از کشورهایی بود که اگرچه هیچ وقت به صورت رسمی مستعمره محسوب نمی‌شد ولی امپراطوری بریتانیا ابزار و روش‌های مختلفی را برای تحول در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی سنتی در این کشور و تداوم سلطه خود به کار گرفت. در این راستا محققان غربی با توجه به موقعیت جغرافیایی این کشور توسعه اقتصادی مبتنی بر سوداگری و سرمایه‌داری وابسته را برای ایران توصیه می‌کردند (ماری شیل، ۱۳۶۸). این محققان نظام سنتی و نظریه استبداد شرقی را عامل عقب ماندگی ایران می‌دانستند و خواهان تغییر این مناسبات بودند.

## ۲. نظریه استبداد شرقی و عدم پیشرفت ایران

در چارچوب تامین اهداف سیاست خارجی انگلیس اکثر کارشناسان انگلیسی امور ایران اعم از مأموران سیاسی و اطلاعاتی، مستشرقان و برخی از محققان، علت عدم موفقیت در دستیابی به

توسعه سرمایه‌داری را عقب ماندگی نظام اقتصادی و اجتماعی ایران در قالب نظریه‌ی استبداد شرقی و عدم استقلال گروه‌ها و طبقات اجتماعی می‌دانستند. از این منظر نظم سنتی و کهنه جامعه ایرانی توانایی و کارایی اقتصادی و اجتماعی لازم را برای رونق تولید و افزایش قدرت ملی از خود به نمایش نگذاشته است. از این نظر جامعه ایرانی با همه سابقه تاریخی خود به دلیل ناتوانی و بی‌لیاقتی مزمن در تمام زمینه‌های زندگی جمعی، قادر به تأمین مبانی لازم جهت رشد صنعت، توسعه و پیشرفت در زمینه‌های مختلف نبوده است (رضاقلی، ۱۳۷۷: ۴۹).

بر این اساس تمرکز و استبداد در سطح قدرت سیاسی هم‌چنین رکود نظام اقتصادی به دلیل عدم امنیت مالکیت خصوصی و فقدان تشکلهای اجتماعی مانعی اساسی برای پیشرفت اقتصادی بوده است. طبقات اعم از فئودالها، پیشه‌وران، کشاورزان و بازرگانان بدون وابستگی به قدرت سیاسی موجودیت نداشته‌اند. در عرصه تاریخ‌نگاری ایران، سنت شرق‌شناختی غربی بر غیبت نهادهای فرایندهایی تأکید می‌کند که عامل پویایی جوامع غربی تحت نظام‌های اقتصادی فئودالی و سرمایه‌داری است، عواملی مانند رعایت امنیت مالکیت خصوصی و عقلانیت در حوزه داد و ستد و بازرگانی. از این دیدگاه تکامل بورژوازی مستلزم وجود شرایط خاص تاریخی یعنی دولت فئودالی غیرمتمرکز است (اشرف، ۱۳۴۷). بنابراین رشد بورژوازی عامل تحول اقتصادی و اجتماعی است.

در این چارچوب بسیاری از محققان متأثر از شیوه تحلیل مارکسیستی و یا جامعه‌شناسی وبر، استبداد سیاسی، شیوه تولید فئودالی متمرکز، نظام آبیاری، زندگی قبیله‌ای و مشروعیت سنتی مذهبی را عامل نبود خلاقیت در شیوه تولید و ساختار اقتصاد اجتماعی و بسته بودن نظام سیاسی ایران می‌دانند (Davis, 1960). این دوگانگی سنتی و مدرن بر اساس شیوه تولید، استقلال یا عدم استقلال طبقات، وجود یا عدم وجود مالکیت خصوصی، نقش مذهب و مشروعیت بخشی آن و روش‌های محاسبه عقلانی شکل می‌گرفت. برخی محققان با توجه به نظریات آدام اسمیت و شیوه تولید مبتنی بر مزارعه، معتقدند نظام سهم‌بری کشاورزان در ایران مغایر با خلاقیت و توسعه تولید کشاورزی بوده است. در این چارچوب از نظر لمبتون میان سهم کشاورزان از تولید و مقدار محصول رابطه معکوس وجود داشت.

در مناطقی که به زارع سهم بیش‌تری از محصول تحت قرارداد مزارعه پرداخت می‌شد (لمبتون، ۱۳۳۹). زارعان مبالغ بیش‌تری را به صورت عوارض گوناگون پرداخت می‌کردند. فریزر در گزارش خود از ایران می‌نویسد: ارباب دوسوم محصول را برداشت می‌کند چرا که بذر و احشام را تأمین می‌کند. بر این اساس در ایران عصر قاجار وابستگی قبیله‌ای و مذهبی نقش مهمی در دستیابی به منبع قدرت اقتصادی یعنی زمین و قدرت سیاسی بازی می‌کرد. چنین ساختار اقتصادی - اجتماعی به صورت طبیعی نمی‌توانست زمینه خلاقیت و افزایش تولید اقتصادی شود. در این رابطه کنت دو گوبینو وزیر مختار فرانسه دو ویژگی جامعه ایرانی را افزایش ملک و دارایی شخصی شاه و اطرافیان

و قدرت مطلقه او می‌داند. از نظر او چنین نظمی مانعی در مقابل افزایش قدرت اقتصادی و استقلال سیاسی ایران بود (گودرزی، ۱۳۸۹).

بر طبق این نظریه مالیات‌های سنگینی که تأمین معاش استبداد شرقی را به عهده داشت کار را برای ایرانیان، به صورت نوعی بیگاری تصویر کرده بود. شیخ هولناک جنگ و تاراج ناشی از خودکامگی امنیت مالی را دچار تزلزل کرده بود. در این شرایط در ایران مانند بسیاری دیگر از کشورهای خاورمیانه، افراد به دنبال انجام کم‌ترین کار و جلب بیش‌ترین سود بوده‌اند. ریشه تجارت به جای تولید، و استفاده از سود سپرده‌های ثابت در حال حاضر در این شرایط تاریخی توجیه می‌یابد (آدمیت، ۱۳۶۲). بنابراین ساختارها، کنش‌ها و هویت‌های تحت قیمومیت فرهنگ و بنیاد استبدادی، توان برآوردن نیازهای اساسی را نداشتند. ساختارهای طبقاتی از نظر اقتصادی و فرهنگی کم‌تر رشد یافته در چنبره‌ی استبداد فراگیر فرورفته، و نهادهای سیاسی مستقل ماهیتاً ضعیف بودند. این وضعیت، عدم ثبات سیاسی و نارضایتی اجتماعی را که ناشی از فضا و جو استبدادی بود، دامن زده و می‌گستراند (فیوضات ۱۳۷۴) و مانع از توسعه اقتصادی بوده است.

### ۳. دخالت خارجی مانع نوسازی واقعی

در مقابل رویکرد و نظریه استبداد شرقی نظرات دیگری نیز وجود دارد که بر اساس شواهد تاریخی با وجود پذیرش معایب ساختار اقتصاد اجتماعی ایران و تمرکز قدرت، دخالت‌ها و طرح‌های استعماری دولت‌های خارجی و بخصوص دولت انگلیس را عامل مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تری نسبت به ضعف ساختار اجتماعی و اقتصادی ایران می‌دانند. از نظر عیسوی عقب افتادگی ایران نسبت به سایر ملت‌های خاورمیانه در سده نوزدهم از ساخت اجتماعی و سیاسی ایران که تلاش‌های متجددین و مصلحین متقدم چون عباس میرزا ولیعهد و امیرکبیر را عقیم می‌گذاشت متأثر بود لیکن از نظر وی مهم‌ترین عامل اثرگذار و خنثی‌کننده رقابت انگلیس و روسیه و دخالت آن‌ها در ایران بود (عیسوی، ۱۳۶۲: ۲۲ و ۲۳). دولت‌های استعماری بخصوص انگلیس در دوران قاجاریه ایران را ملک طلق خود تصور می‌کردند اگر چه در ظاهر این کشور را مستقل اعلام می‌کردند اما عملاً خود را به اقدام و دخالت سیاسی و اقتصادی مجاز می‌دانستند (تیموری، ۱۳۹۱).

بر اساس نظریه‌های لیبرال ونوسازی با گذشت زمان در کشورهای نفتی تأسیسات نفتی جانشین تأسیسات آبیاری شده و حکومت مستبد شرقی ادامه‌ی بقای خود را نه در زمین و آب بلکه در نفت یافت (اجالی، ۱۳۷۳). منتقدان معتقدند این نظریه ناشی از ساده‌انگاری و مجموعه‌ای از گزاره‌های پیشینی اثبات‌نشده است که نه تاریخ، نه اقتصاد و نه واقعیت‌های جامعه‌ی ایران هیچ‌یک آن‌ها را تأیید نمی‌کند. مهم‌ترین ساده‌سازی تقلیل دموکراسی به پدیده‌ای صرفاً ناشی از حضور فعال بخش خصوصی در عرصه‌ی اقتصادی است؛ این ساده‌سازی نیز هم‌چون روایت تاریخی نولیبرال‌ها،

تحويل گرایي محض است. یعنی دموکراسی به اقتصاد خصوصی تحويل می‌شود. ایران دچار استبداد بود چون شیوه‌ی تولید آسیایی بر آن چیره بود و از استبداد رها نشد چون دولت رانتیر نفتی جایگزین دولت مستبد آسیایی شد.

از نظر منتقدان این روایتی ایدئولوژیک است. تغییرات سیاسی - اقتصادی ایران تابعی از عوامل بسیار هم‌چون ویژگی‌های طبقات اجتماعی و گروه‌های ذی‌نفوذ اجتماعی، ساختار بازار و سرمایه‌های تجاری ایرانی، تشکیلات مذهبی و از همه مهم‌تر استعمار و جایگاه و نقش ویژه ایران در سیستم جهانی بوده است، ایران در عصر قاجار جامعه‌ای صامت، ثابت و بدون تغییر و تحول نبوده بلکه تحولات قابل توجه‌ای اتفاق افتاده است. ایران در عصر قاجار یک جامعه زنده و در حال تغییر بود و کمتر مقطعی از تاریخ ایران شاهد چنین سرعتی در دگرگونی از جهات مختلف بوده است.

ایران همیشه و به ویژه در عصر قاجار از منابع پراکنده و متکثر قدرت برخوردار بود. شیوه اعمال قدرت در این عصر مطلق و عمودی نبوده است. قدرت پادشاه توسط سران قبایل، زمینداران، علما و بازرگانان محدود می‌شده است. تا آنجا که تعامل میان علما و حکومت باعث مشروعیت و پایداری قدرت شاهان قاجار بخصوص در عهد ناصری بود (کاتوزیان، ۱۳۸۰). این امر مورد تأیید برخی از کارگزاران و محققان انگلیسی نیز بوده است. از نظر محققان و کارگزاران سیاسی مانند لمبتون استقلال گروه‌های اجتماعی در نظم استبداد شرقی بیش‌تر از استقلال گروه‌ها در نظام فئودالی بود (لمبتون، ۱۳۵۹). گویینو ادعا می‌کند تجار ایرانی با رعایت بنیه اقتصاد ایران، بسیار ثروتمند هستند؛ زیرا، آنان از پرداخت مالیات بر درآمد و صدها عوارض دیگر معافند. وی در جای دیگری اظهار می‌دارد که مناسبات بین تجار، بنا بر رسوم قدیمی بر مبنای اتحاد و اطمینان قرار دارد. آنان اصل و نسب اشراف را به تمسخر می‌گیرند و برای آنان ارزشی قائل نیستند؛ زیرا، خود را کم‌تر از اشراف نمی‌دانند. دولت برای آنان احترام بسیار قائل است و گاه، حتی، از آنان تقاضای وام می‌کند.

با این اوصاف شواهد و اسناد تاریخی نشان می‌دهد که ساختار اقتصادی ایران در صورتی که مداخلات خارجی و استعماری نبود قادر به حفظ پویایی استقلال و نظام اجتماعی - اقتصادی خود می‌بود. بر این اساس دخالت و اعمال نفوذ خارجی در فرایند رویارویی ایران با مدرنیزاسیون ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران را پیچیده، هزینه تحول و پیشرفت را افزایش، سرعت آن را کند و ارتباط آن را با ریشه‌های تاریخی و سنتی قطع کرد.

دخالت خارجی باعث شده شکاف و تعارض میان نظم سنتی و جدید و نیروهای اجتماعی وابسته به دو نظم به صورت مانعی در مقابل پیشرفت و ترقی، استقلال اقتصاد و سیاسی جامعه ایرانی عمل کند. شکاف تمدنی میان نیروهای اجتماعی بر اساس هویت اسلامی و غربی و تشدید آن توسط عوامل انگلیس باعث شد گروه‌ها و طبقات وابسته به شیوه‌ی تولید سنتی و مدرن در پس آن قرار گیرند (بشیریه، ۱۳۸۰: ۲۸). استعمار انگلیس در قرن نوزدهم برای تأمین اهداف و ایجاد پوشش برای اهداف و اقدامات استعماری خود سعی در دامن زدن به این شکاف‌ها، تبدیل آن به تخصص و

رویاری و جلوگیری از ایجاد یک تعامل طبیعی میان نیروهای اجتماعی و ایجاد ساختاری جدید براساس شاخص‌های هویت بومی داشته است. در واقع قدرت‌های خارجی و مشخصاً امپراطوری بریتانیا اعتقادی به تأمین استقلال ایران توسط طرفداران و گروه‌های وابسته به هر کدام از این دو هویت نداشت.

بر این پایه حضور و دخالت قدرت‌های خارجی بخصوص مداخلات انگلیس نه تنها کارکرد نظم سنتی را با اخلال روبرو کرد بلکه اقداماتی که برای نوسازی اقتصادی مستقل انجام می‌شد را دچار انحراف یا عقیم می‌کرد. این کشورعامل اصلی بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی در مواقعی از تاریخ بوده است که امنیت عنصر اساسی در پیشرفت و نوسازی اقتصادی محسوب می‌شد. استعمار انگلیس عناصر منفی نظم سنتی را مثل استبداد سیاسی در زمانی که منطبق با منافع این کشور بود تقویت و در صورت که استبداد در جهت منافع آن‌ها عمل نمی‌کرد آن را با بی‌ثباتی و چالش ناشی از فعالیت روشنفکران وابسته روبرو یا با شورش‌های قبیله‌ای مواجه می‌ساخت.

حفظ مرزهای هندوستان باعث شد بریتانیا ضعف، خود باختگی و وابستگی در مقابل کشورهای خارجی، روشنفکری وابسته را تشویق و مانع از رفع ضعف در فن آوری و ایجاد نوسازی اقتصادی و نظامی واقعی در ایران شود. انگلیس با حضور گروه‌ها و طبقات مستقل و اصیل میانه‌ای نداشت و با آن مخالف بود. این کشور نگاه سطحی از پیشرفت و نوسازی را تبلیغ می‌کرد. در این دوران اگر چه مفاهیم وبری مانند قدرت مشروع، دیوان سالاری، حکومت قانون و خردگرایی، آزادی و دموکراسی توسط مجامع فراماسونری، کارگزارانی مانند مشیرالدوله و روشنفکران چون ملکم از لندن تبلیغ می‌شد ولی درعمل سیاست خارجی بریتانیا درجهت تحقیر ایرانیان و مخالفت با تحقق واقعی این مفاهیم بوده است. در واقع سیاست امپراطوری بریتانیا در ایران در حرف و عمل به شدت باهم تضاد داشت. مروری گذرا به تحولات تاریخی اثبات کننده این مدعا است.

#### ۴. زمینه‌های ضعف ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران

زمینه‌های افول ساختار اقتصاد اجتماعی سنتی ایران که با رویاری نظامی ایران و عثمانی در زمان صفویه و به تشویق اروپائیان شروع شده بود با لشکرکشی‌های نادر تقویت شد، در زمان قاجار با دخالت و حضور خارجی تکمیل شد. این فرایند با تسلط بر تجارت خارجی ایران شکل گرفت. مطالعه نظام اقتصادی ایران در زمان صفویه نشان می‌دهد که ساختار اقتصادی در عرصه تولید و تأمین نیازهای داخلی و صادرات به خوبی ایفای نقش می‌کرده است. در زمان صفویه تسلط ایران بر راه‌های تجاری در شمال غرب، غرب جنوب غربی، شمال شرق، جنوب و جنوب شرق عامل رونق اقتصادی و درگیری و اختلاف ایران با قدرت‌های بزرگ و همسایه بود. رونق تجاری و مثبت بودن تراز بازرگانی تا نیمه دوم قرن نوزدهم حکایت از کارکرد مثبت ساختار سنتی اقتصاد ایران داشت.

بر این اساس قبل از اینکه راه تجارت هند کشف شود شهرهای اصفهان، تبریز، کاشان، شیراز، هرات، سیستان، باکو، تفلیس، بیرجند، بصره محل رفت و آمد و اقامت تجار انگلیس، اسپانیایی، فرانسوی، پرتغالی بود. رونق تجارت با ایران باعث شد کمپانی هند شرقی انگلیس آموختن زبان فارسی برای کارکنان کمپانی اجباری کند. کالاهایی چون ابریشم، شتر، گوسفند، پشم، فرش، ریواس، طلا، خشکبار، نفت، سنگ‌های قیمتی، سنگ مرمر، پارچه از شمال از ایران صادر می‌شد. کالاهای صادراتی ایران مواد خام و واردات، کالاهای ساخته شده بود. بنابراین بخش عمده قدرت ایران از زمان صفویه ریشه در نظام تولید سنتی و تسلط بر راه‌های تجاری داشت که با دخالت خارجی و تحولات جدید انطباق نیافت. از نظر مورخان بررسی موقعیت جغرافیایی و راه‌های تجاری و کارکرد آن توضیح دهنده علت جنگ و فتوحات در این دوران و بعد از آن بود.

در این دوران ابزار اقتصادی اهرم فشار در رقابت میان قدرت‌های برتر یعنی عثمانی، انگلیس ایران، پرتغال و هلند بود. با وجود تسلط ایران بر راه‌های تجاری ضعف ایران در ناوگان تجاری دریایی و حمل و نقل باعث شد تا ایران به دلیل سیادت دریایی اروپا الگوی تجارت خارجی پرتغال، هلند و در نهایت انگلیس را بپذیرد. این کشورها بخصوص انگلیس برای اولین بار یک نظام تجاری با تکیه بر قدرت نظامی ایجاد کردند که مستعمرات این کشور را در سراسر دنیا پوشش می‌داد (سی میلر، ۱۳۹۰). بر این اساس سود عمده‌ی تجاری نصیب این کشورها می‌شد. برای مثال انگلیسی‌ها ابریشم ایران را به ۸ شلینگ می‌خریدند و به ۳۰ شلینگ در اروپا می‌فروختند. با این روش انگلستان که تسلط بر راه‌های تجاری را از زمان صفویه شروع کرده بود در دوره قاجار به هدف خود به طور کامل نائل شد و نمایندگی‌های تجاری خود را در سراسر ایران گسترش داد.

مبارزه با قاچاق اسلحه و تجارت برده، دزدی دریایی و ناتوانی ایران در برپایی یک ناوگان دریایی بهانه خوبی برای حضور مداوم انگلیس در سواحل جنوبی ایران بود. قاچاق اسلحه از قرن ۱۶ با حضور کشورهای اروپایی در خلیج فارس رونق گرفت. از ابتدای دوره قاجار کنسولگری بریتانیا در بوشهر نقش قابل توجه و مهمی را در قاچاق اسلحه ایفا می‌کرد. این امر در جهت اهداف انگلیس مبنی بر حفظ پایگاه‌های سیاسی و تجاری در هندوستان و اقیانوس هند و حمایت از خوانین محلی بود. قاچاق و حمایت از خوانین دست نشانده یکی از عوامل تغییر ساختار و تضعیف انسجام اقتصادی و سیاسی در ایران بود.

تجارت اسلحه یک تجارت تماماً انگلیسی بود چرا که اسلحه توسط کارخانجات انگلیسی ساخته می‌شد و تجارتخانه‌ها و تجارانگلیس آن را خرید و فروش و کشتی‌های انگلیس آن را حمل می‌کردند. در برهه‌هایی از زمان تجارت اسلحه با هماهنگی دولت ایران ممنوع شد ولی هم‌چنان قاچاق اسلحه به صورت محدود و هدایت شده توسط انگلیس انجام می‌شد (برومند، ۱۳۸۱). انگلیسی‌ها به واسطه ناوگان تجاری علاوه بر بنادر جنوبی تجارت با بنادر شمالی و شمال غربی ایران را از طریق عثمانی و روسیه در پیش گرفته بودند. در سال ۱۸۸۹، تعداد ۴۱۷ کشتی به بندر

باطوم رفت و آمد داشتند که ۲۱۴ فروند از آن متعلق به انگلستان بود. این کشتی‌ها چیزی در حدود ۶۰۰ نوع کالای تجاری انگلیس را به این مناطق حمل می‌کردند (کرزن، ۱۳۸۸: ج ۱ / ۱۰۷).

بریتانیا علاوه حفظ هندوستان و تسلط بر تجارت دریایی بدنبال دسترسی بلندمدت به بازارهای جدید و راه‌های زمینی در آن سوی خلیج فارس بود. این امر مستلزم تغییر نظام‌های اقتصادی و اجتماعی در کشورهای مسیر و از جمله ایران بود. اگر بریتانیا در تغییر ساختار اقتصادی و اجتماعی این کشورها ناکام می‌ماند و یا این روند با کندی پیش می‌رفت، حداقل از پویایی و استقلال اقتصاد سیاسی کشورهای حائل بخصوص ایران جلوگیری می‌کرد. براین اساس، در آغاز سده نوزدهم کارگزاران انگلیس سعی می‌کردند با بررسی ظرفیت‌های اقتصادی و اجتماعی ایران و ارائه گزارش به مقامات بالا اهداف و منافع ملی خود را اگرچه به ضرر ملت‌هایی چون ایران تأمین کنند.

در این چارچوب سرجان ملکم در گزارشی ارزیابی خود را از منابع اقتصادی و مسائل اجتماعی ایران این‌گونه بیان می‌کند:

«ابریشم، پشم کرمان، آهن، مس، قلع، غلات یکی از منابع اصلی صادراتی ایران به دریای احمر، بصره و ساحل جنوبی خلیج فارس و بعضی اوقات به سورات و بمبئی است. در صورتی که تعصبات مذهبی اجازه بدهد بهترین شراب می‌تواند در ایران تولید شود و به مقدار قابل توجهی یکی از کالاهای ارزشمند صادرات ایران شود. خشکبار که هم اکنون هم صادرات آن قابل ملاحظه می‌باشد. گوگرد، قالی که مقدار تولیدی آن در ایران به اندازه مقدار تولیدی‌اش در جهان است، امکانات خوبی برای فعالیت اقتصادی است. وی راه دریایی خلیج فارس را بویژه برای تجارت با هند مهم می‌داند. از نظر او از این راه می‌توان با عربستان نیز روابط تجاری برقرار کرد» (به نقل از مهמיד، ۱۳۶۱).

در گزارش ملکم آمده است از راه دریایی خزر با روسیه و از راه خشکی بوسیله کاروان با ترکیه، کابل و بخارا امکان روابط تجاری وجود دارد. این راه‌های زمینی برای مسافران با سختی و مشقت زیادی همراه بودند زیرا وسایل راحتی سفرهم چون کالسکه سفری، واگن قطار و کشتی بخار در ایران وجود ندارد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۹۲: ۲۳). رودخانه قابل کشتی‌رانی نیز در داخل کشور نیست (معتضد، ۱۳۸۸). فقدان این وسایل، نه تنها باعث سختی و کاهش امر تجارت و افزایش هزینه‌ها و در نتیجه گرانی کالاها می‌شد. بنابراین تسلط بر راه‌ها و تسهیل حمل و نقل برای رقابت-پذیری کالاهای انگلیس و تجارت ضرورت داشت.

در این چارچوب انگلیسی‌ها در رقابت با روس‌ها به دنبال سرمایه‌گذاری در ایران بودند. آن‌ها در سیستان به دنبال احیای شبکه آبیاری قدیمی این منطقه با استفاده از آب هیرمند بودند. پیشنهاد افسران انگلیسی کشیدن راه آهن به سیستان تا زاهدان، اجاره این سرزمین از دولت ایران بود، این موضوع مورد حمایت وزیر مختار وقت درموند ولف و حکومت هند بود. ولی به دلیل رقابت با روس‌ها چگونگی تأمین هزینه آن و فقدان اطلاعات کافی محل اختلاف بود. بریتانیا در رقابت با



روس‌ها به گفته افسرانی مثل سایکس نباید از صرف هزینه و پول در جنوب غربی و رود کارون در جهت اهداف انگلیس، خوداری می‌کرد. بنابراین انگلیس‌های به تکمیل اطلاعات و شناسایی ظرفیت‌های پرداختند. تردید انگلیسی‌ها در سرمایه‌گذاری در سیستان تا اواخر قرن نوزده ادامه داشت. با این وجود تجارت با انگلیسی‌ها در سیستان از ۵ میلیون روپیه به ۱۵ میلیون روپیه رسید. تجارت از ۱۹/۴ لک در ۱۹۱۱ به ۲۴ لک در ۱۹۱۴ رسید. لذا حساسیت و کارشکنی روس‌ها را برانگیخت (گریوز، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰). در مقابل روس‌ها عهدنامه تجاری ۱۹۰۳ را با ایران امضا و شروع به کارشکنی در سیستان کردند. انگلیس به دنبال دور نگه داشتن روسیه از ایران بود. این روند با سرکشی خوانین محلی و حمایت انگلیس به تجزیه سیستان و بلوچستان و نه آبادانی آن انجامید. روندی که نظام آبیاری این منطقه را با قرار دادن سرچشمه هیرمند در آن سوی مرزها به صورت اساسی از بین برد.

با وجود این شواهد، کارگزاران خارجی و محققان خارجی عموماً به عامل دخالت خارجی در ایران توجهی نداشته و ضعف ساختار اقتصادی ایران را برجسته و تغییر این ساختار را دنبال می‌کردند. کرزن که در دوره قاجار سرگرم مطالعه و جمع‌آوری و تکمیل اطلاعات امپراطوری از ایران بود. در مورد اوضاع اقتصادی ایران می‌نویسد:

«ایران به هیچ وجه قادر به استفاده از موقعیت جغرافیایی خود در جهت رونق اقتصادی نیست. تأسیسات زیربنایی بسیار محدود است. در هیچ کجای دنیا اینگونه ظرفیت‌های بالقوه اقتصادی نادیده گرفته نشده است. تا سال ۱۸۶۷ سالانه در گیلان تا ۲۰۰۰ عدل ابریشم تولید می‌شد. که صادرات آن تا یک میلیون لیره درآمد داشت. ولی از این زمان و تا سال ۱۸۸۶ تولید آن به ۱۲۳ هزار لیره رسید».

کرزن ادعا می‌کند که انگلیسی‌ها به دنبال نوین کردن شیوه تولید بودند ولی سستی و اکراه ایرانیان مانع این کار بود. مثال او برای این موضوع تولید ابریشم است که دچار آفت شد و دنبال آن کشت توتون، تنباکو و خشخاش رایج شد که عمده‌ترین خریدار آن‌ها بریتانیا بود. جایگزین شدن تنباکو، خشخاش و پنبه به جای ابریشم بخشی از نظام تجاری استعماری بود که انگلیسی‌ها و قبل از آن پرتغالی‌ها به ایجاد آن همت کرده بودند و فجایع اقتصادی وحشتناکی را به دنبال داشت. دخالت‌ها صرفاً به اقتصاد کشاورزی محدود نمی‌شد، بلکه ساختار مالی کشور را نیز در بر می‌گرفت. کرزن در مورد مسائل مالی ایران می‌نویسد:

«در مورد ارزش پول داستان مسکوکات ایران مانند سایر کشورهای شرقی سرگذشت تنزل و کاهش ارزش آن‌ها و تا حد زیادی هم دال بر زبونی و خواری است. بنابراین اصلاح سنجیده و کامل به منظور تجدید حیات اقتصادی مملکت ضروری و عاجل است. باید دولت نظم کهنه اداری را کنار بگذارد. سیستم اقتصادی باید تابع اصول اروپا شود. ضرابخانه باید تحت نظارت اروپایی‌ها باشد. ولی این امر با مقاومت روبرو است. در ایران افکار جدید و طرز صحیح کار با

تأخیر و تأنی بسیار نفوذ می‌کند. برای این کار باید افکار حکومتی دچار تغییر انقلابی شود» (کرزن، همان: ۶۵۲).

نگاه انگلیس در تشخیص مشکل ساختار اقتصادی ایران مغرضانه و مبتنی بر منافع آن کشور بود. راهی را نیز که برای نوسازی پیشنهاد می‌کردند در همین راستا بود. در واقع بریتانیا در ایران از ابتدای قرن ۱۹ به دنبال تغییر اساسی در ایران بود و این فرایند را با نگاه مداخله جویانه و توأم با تحقیر پیگیری می‌کرد. در این راستا هرکسی که با اقدامات استعماری آن‌ها مخالف بود مستبد یا متحجر خوانده می‌شد.

## ۵. اقدامات بریتانیا برای تغییر ساختار اقتصادی - اجتماعی ایران

با توجه به این مطالب بریتانیا برای دسترسی به اهداف خود نیاز به تغییر ساختار اجتماعی - اقتصادی به عنوان مقدمه تغییر نظام سیاسی داشت. این کشور شبکه گسترده‌ای از نمایندگی‌های تجاری، مسیونرهای مذهبی، تشکیلات فراماسونری، مأموران اطلاعاتی، نمایندگی دیپلماتیک و کنسولی انگلیسی و غیر انگلیسی، پذیرش دانشجویان از کشورهای تحت سلطه و ایجاد مدارس به سبک جدید را به کار گرفت. این روش مبتنی بر یک تجربه تاریخی بود که تجارت به عنوان ابزار مبادله کالا و انباشت سرمایه؛ اشاعه اندیشه‌ها، نظارت و کنترل و گسترش مذهب محسوب می‌شد (Nayyan, 1993). بر این اساس برخی از تجار و نمایندگی‌های تجاری بومی و غیربومی انگلیس پیش قراولان استعمار انگلیس و عامل تغییر و تحول در کشورهای تحت سلطه بودند. بریتانیا نفوذ اقتصادی و تلاش برای تغییر بافت اقتصاد - اجتماعی ایران را در ابتدا مدیون شبکه‌ای از نمایندگی‌های تجاری بود که وظیفه جمع‌آوری اطلاعات و امور دیپلماتیک را نیز به عهده داشتند.

تجارت با کمپانی هند شرقی و کسب نمایندگی آن و دریافت مجوز واردات و صادرات در واقع وسیله برای کسب ثروت و دستیابی به مدارج سیاسی و دیپلماتیک در ایران بود (رکن زاده، ۱۳۵۲). این موضوع افراد زیادی را برای رسیدن به امتیازات سیاسی و اقتصادی به طمع می‌انداخت. ابوطالب خان اصفهانی و سید عبدالطیف شوشتری از تجار طرف معامله کمپانی که از زمان نادر به هندوستان فرار کرده بودند. از جمله این افراد بودند. این دو نفر اولین کسانی بودند که تفکر تجدد و نوسازی را بخصوص در عرصه اقتصادی در ایران مطرح کردند. ابوطالب اصفهانی با سفر تجاری و سیاحتی به بریتانیا کتاب تحفه العام را در مورد ویژگی‌های نظام سیاسی و اقتصادی انگلیس و علل و نمادهای پیشرفت و رفاه آن کشور با نگاه ستایش آمیزی نوشت.

این کتاب با هدف تبلیغ درباره سبک زندگی و کشورداری انگلیس و ترویج آن و جذب افکار عمومی در مستعمرات، توسط کمپانی هند شرقی در مستملکات خاوری بریتانیا منتشر شد. از نظر عبدالطیف رونق اقتصادی بریتانیا محصول رأی و تدبیر، عدالت و رعیت‌پروری و نظام پارلمانی

این کشور است. وی قدرت دریایی و هم‌چنین تولید مصنوعات متنوع انگلیس را مورد تمجید قرار داده بود. بدون شک تأثیرگذاری و انتقال سبک زندگی اجتماعی و اقتصادی خود به کشورهای دیگر و بخصوص ایران یکی از اهداف مهم بریتانیا بود. اما این کشور از ایجاد تحول، اصیل، عمیق و همه‌جانبه که به استقلال کامل ایران منجر شود حمایت نمی‌کرد. دنیس رایس سفیر انگلیس در ایران در کتاب ایرانیان در میان انگلیس‌ها معتقد است که دیدگاه این دو تاجر ایرانی در فرایند بیداری ایرانیان در سال‌های بعد نقش اساسی داشته است.

از نظر رایس این افراد سر سلسله مکتب انگلیس خواهی در ایران بودند. کارگزاران و مستشرقین انگلیسی با وجود این که نگاه تحقیرآمیز و توأم با تبعیض با ایرانیان و وضعیت اقتصادی و اجتماعی ایران داشتند تلاش زیادی در به نمایش گذاشتن و تبلیغ ظواهر زندگی انگلیسی در سطوح مختلف به نمایندگان سیاسی، تاجر ایرانی و از طریق آن‌ها به جامعه ایرانی داشتند.

بعد از این دو نفر اولین سفیر کمپانی هند شرقی با نام مهدی علی خان بهادر جنگ با هدف افزایش میزان واردات کالا از انگلستان، افزایش ۲۵ درصدی بهای کالای وارداتی از انگلیس، خارج کردن کالاهای روسی از بازار ایران، مأموریت سیاسی جلوگیری از نفوذ فرانسه و تحریک فتحعلی شاه به مقابله با زمان شاه درانی، وارد دربار فتحعلی شاه قاجار شد (رایس، ۱۳۶۴). مهدی علی خان مجوز هزینه ۶۰۰ هزار لیره برای راضی کردن درباریان و شاه را به همراه داشت. در این مأموریت او توسط حاجی خلیل خان قزوینی از تاجر معروف و طرف معامله کمپانی و شریک تجاری سرهارد فورد جونز در شیراز حمایت می‌شد. حاج خلیل بعدها ملک التاجر شیراز و نماینده سیاسی فتحعلی شاه قاجار در هند و نزد کمپانی هند شرقی شد. جانشین حاج خلیل یعنی محمد نبی خان شیرازی از دیگر تاجر ایرانی بود که دارای شرکت حمل و نقل و طرف تجاری کمپانی بود وی مدتی بعد در سال ۱۲۲۳/۱۸۰۸ حاکم بوشهر شد.

به دنبال این تحولات با حضور سرجان ملکم نماینده دیگر کمپانی قرارداد تجاری و سیاسی میان دو کشور در ظاهر با هدف محدود کردن فرانسوی‌ها و افغان‌ها در حمله به هند ولی در باطن با هدف توسعه مناطق نفوذ و دسترسی به بازارها و راه‌های تجاری در رقابت با روس‌ها امضا شد. انگلیسی‌ها در این دوره تهاجم و ایجاد شورش در مرزهای ایران را به‌عنوان ابزار دفاع از منافع اقتصادی خود در هند در پیش گرفتند. یکی از درخواست‌های انگلیسی‌ها دسترسی به بنادر جنوبی ایران بود. آن‌ها این درخواست خود را با فتحعلی‌شاه در میان گذاشتند. ولی فتحعلی‌شاه از تسلیم جزایر ایرانی به انگلیسی‌ها خوداری کرد. هدفی که در بحبوحه جنگ هرات با اشغال بنادر جنوب به آن دست یافتند. بریتانیا حتی خواهان واگذاری بنادر دریای مازندران نیز بود. انگلیس هم‌زمان با توسعه حضور تجاری به تغییر بافت اجتماعی و اقتصادی و تجزیه مناطق حساس به لحاظ اقتصادی و نظامی اقدام می‌کرد.

اگر چه نوسازی مورد توجه برخی از رجال درباری بود ولی بریتانیا اهداف خاص خود را دنبال می‌کرد. عباس میرزا که از نظر انگلیسی‌ها اولین شاهزاده تجدد طلب و در ایران بود<sup>۱</sup>، در جریان جنگ‌های ایران و روس به فکر نوسازی نظامی و اقتصادی کشور بود. وی این موضوع را از دو طریق دنبال کرد. یکی توسعه روابط تجاری با انگلیس و دیگر اعزام دانشجویان به خارج از کشور. در این زمان در منطقه آذربایجان اجناس تجاری ایران و اروپا یا از طریق ترکیه و بندر طرابوزان و یا از طریق روسیه و قفقاز صادر و وارد می‌شد. عباس میرزا به تجارت با انگلستان علاقمند بود و لذا راه و مسیر اول در زمان او و در رقابت با روسیه ایجاد شد. عباس میرزا مأموری در لندن گذاشت و با شرکت‌های بزرگ انگلیس از طریق کشتی تجارت می‌کرد. تجارت کالاهای انگلیسی و ترانزیت آن-ها از طریق استانبول با ایران به یک میلیون لیره می‌رسید. صنعت پارچه بافی با ورود ماشین‌الات انگلیسی در خوی و تبریز آغاز ولی با فتح هرات در سال ۱۸۴۸ ناگهان قطع شد.

پس از جنگ‌های روسیه و ایران خسارت‌های فراوان اقتصادی به ایران وارد شد. علاوه بر غرامت جنگ آن‌چه از نظر اقتصادی مهم‌تر و پایدارتر بود، قرارداد تجاری بود که روس‌ها در کنار عهدنامه ترکمانچای بر ایرانیان تحمیل کردند و سپس کلیه کشورهای استعمارگر اروپایی به اعتبار اصل دولت‌های کامله الوداد از امتیازات آن برخوردار شدند. این مسئله باعث می‌شد کالاهای خارجی به رقابت با کالاهای ایرانی پردازند (رزاقی، ۱۳۷۶: ۱۳). استقلال ایران با این عهدنامه دچار خدشه جدی شد. امضای قراردادهای تجاری میان ایران و دولت‌های اروپایی که با روسیه آغاز شد با انگلستان ادامه یافت این راهی بود که به وابستگی ایران ختم شد. در واقع تجارت ایران منحصر به این دو دولت بود. تجارت شمال با روسیه و تجارت جنوب با انگلستان و هند بود.

## ۶. اعزام دانشجویان به خارج از کشور

یکی دیگر از اقدامات انگلیسی‌ها برای تسریع تحولات اجتماعی جذب دانشجویان از طبقات اشراف و هیأت حاکمه بود. در این ارتباط عباس میرزا از نماینده کمپانی هند شرقی سرهارد فورد جونز درخواست کرد تا زمینه تحصیل افراد اعزامی از ایران را به انگلیس فراهم کند. نکته قابل توجه این بود که عمده کسانی که برای تحصیل به اروپا و انگلیس رفتند به تحصیل در رشته‌های فنی و مهندسی پرداختند. دانشجویان اعزامی عمدتاً از خانواده اشراف و درباریان بودند. مثل ناصرالملک که بعدها نیابت سلطنت احمد شاه را پذیرفت یا از خانواده تجار بودند مانند جیمز ملکم فرزند یکی کارگزاران کمپانی هند شرقی در بوشهر که با حمایت عبدالله ساسون بانک دار معروف انگلیسی برای ادامه تحصیل به انگلیس سفر کرد. بعضی نیز به گفته خان ملک ساسانی مانند ملکم خان

<sup>۱</sup>. دنیس رایس به عمد عباس میرزا را هم ردیف سایر عوامل و دوستان انگلیس آورده و نوسازی و تجدد را با انگلیسی خواهی مساوی دانسته است.

فرزند میرزا یعقوب ارمنی مترجم سفارت روس و مأمور اطلاعاتی انگلیسی‌ها بودند. افرادی دیگری نیز مثل پسر شوقی هادی افندی بهایی اعزام شدند. کسانی نیز مثل میرزا صادق توسط میرزا ابوالحسن خان ایلچی به لرد آبردین معرفی شدند. علاوه بر سرهارد فورد جونز سرهنگ دارسی نیز ۱۰ جوان دیگر ایرانی را برای تحصیل به فرنگ انتقال داد.

انگلیسی‌ها در ابتدا خود را به تحصیل دانشجویان ایرانی در انگلیس علاقمند نشان نمی‌دادند و این موضوع را با اکره پذیرفتند. برای جلوگیری از حساسیت نسبت به این موضوع ابتدا فرانسه برای تحصیل این افراد پیشنهاد شد (نجفی و فقیه حقانی، ۱۳۸۷). این در حالی بود که لرد ولزلی و سرهارد فورد جونز معتقد بودند که اگر بریتانیا بدنال نفوذ بلند مدت در ایران است باید جذب و پذیرایی از دانشجویان ایرانی را یک هدف ملی بدانند. بر این اساس تلاش می‌شد فرستادگان هم‌چنان اصیل و مبادی آداب ایرانی بمانند تا به‌عنوان مأمور قابل استفاده باشند. تلاش کمپانی به نقل از سرهنگ دارسی این بود تا از این افراد دوستانی برای انگلیس بسازد. تمام افرادی که برای تحصیل به انگلیس اعزام شده بودند نگاهی تحسین‌آمیز به فرنگ داشتند و به‌نوعی مقهور و مسحور تحولات آن‌جا بودند. برخی از آن‌ها با دختران انگلیسی ازدواج کردند. جعفر حسینی یکی از محصلان اعزامی به فرهنگ در سال ۱۸۱۷ بود وی در نامه‌ای به دوست انگلیسی خود می‌نویسد:

«بانوی عزیز نمی‌دانم در این واپسین نامه مراتب ستایش چگونه احساس تأسف عمیق خود را از اینکه این کشور سعادت‌مند را به این زودی ترک می‌کنم بیان دارم. شما را از علاقه صمیمانه خود نسبت به مؤسسات بیشمار این کشور مطمئن می‌سازم. ستایش برای مشورت خانه مقتدر، سرچشمه قوانین خوب و حکیمانه، مایه اعجاب جهان، حامی آزادی حقیقی، پیشرفت درعلوم و صنایع» (تیموری، ۱۳۶۲).

پس حضور برادران لینچ و تأسیس شرکت کشتی رانی در ایران، آن‌ها نیز زمینه تحصیل فرزندان خوانین بختیاری را در انگلیس فراهم کردند.<sup>۱</sup> برادران لینچ امکان تحصیل برای چهار نفر از فرزندان خوانین بختیاری فراهم کردند. این افراد تحت شاگردی کسانی چون ادوارد بروان قرار گرفتند بر این اساس رایس ایرانیان اعزامی را پرچمدار تجدد و نوسازی ایران و رابطان مفیدی برای بریتانیا می‌داند. از نظر رایس و سایر کارگزاران انگلیسی دربار و علما مانع از این کار بودند. مأمورین انگلیسی تماماً مخالفت دربار قاجار و علمای مذهبی را در یک جایگاه و جهت و با یک هدف ارزیابی می‌کردند.

<sup>۱</sup>. با کشف نفت در ۱۹۰۷ اهمیت خوانین بختیاری بیش‌تر از دولت مرکزی شد. از این زمان به همت شرکت نفت ایران و انگلیس جریان اعزام دانشجویان از فرانسه به انگلیس تغییر یافت. به عبارات دیگر شرکت نفت در قالب تربیت متخصصین حوزه نفت اعزام دانشجو را شدت بیشتری بخشید.

## ۷. استفاده از تشکیلات فراماسونری و فراما سونرها

فراماسونری سومین راهی بود که انگلیسی‌ها از آن برای تغییر ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران از آن استفاده کردند. از نظر انگلیسی‌ها فراموشخانه مبلغ آزادی و دموکراسی ملل ستم دیده به سبک انگلیس بود. این در حالی است که راعین در کتاب خود ارتباط مستقیمی میان فراماسونرها، سرمایه داران، صاحبان تراست‌ها، بانک‌ها و صنایع و در کل انقلاب بورژوازی ایجاد کرده است. سرمایه داران از ماسون‌ها حمایت می‌کردند و وکلا و سیاست‌مداران از منافع سرمایه‌داران، از این منظر فراماسونری بین الملل برای دستیابی به منافع نظام سرمایه‌داری فراتر از نژاد و ملت عمل می‌کردند. بر این اساس فراماسونری ملجاء سرمایه‌داری پروتستان نو ظهور در رقابت با فئودال‌ها بود. علمای مذهبی در ایران، فراماسونری را ابزاری برای نفوذ غرب، تعدیل اوضاع سیاسی و ترویج تمدن غرب می‌دانستند. با این اوصاف، انگلیس‌ها تلاش زیادی در ایجاد تشکیلات فراماسونری در ایران و جذب عناصر مؤثر ایرانی داشتند (راعین، ۱۳۵۷: ۱۳۴). از نظر سفرای خارجی ساکن ایران، تشکیل فراموشخانه و مجمع آدمیت، به دنبال تغییر بنیاد حکومت در ایران بود. بنابراین از دوره فتحعلی شاه فراماسونری به‌عنوان ابزار جدید سیاست خارجی بریتانیا در ارتباط با ایران و تسریع در تحولات اجتماعی و اقتصادی ظهور می‌کند.

بر این اساس فراماسونرهای معروف نقش مهمی در تحولات اقتصادی و سیاسی ایران بازی کردند. برای مثال در بحبوحه‌ی جنگ و جدایی هرات از ایران، نماینده دربار قاجار در انگلیس برای مذاکره میرزا ابوالحسن خان ایلچی بود که از سفر او به فرنگ، آنچه بیش‌تر برجسته است، حضور در مجالس عیش و نوش، رسیدن به مقام استاد اعظم فراماسونری، مذاکرات سیاسی و امضای قرارداد تجاری در قبال دریافت کمک مالی ۲۰۰ هزار تومانی از بریتانیا، تلاشی بی‌ثمر و ظاهری برای نوسازی ارتش و دریافت فن آوری نظامی از این کشور بود. هزینه سفر میرزا و حقوق ماهانه ۱۵۰۰ روپیه‌ای از بودجه سری کمپانی هند شرقی پرداخت شد.

نگاه میرزا ابوالحسن خان نیز مانند سایرین نسبت به تحولات انگلیس، نگاه تحسین آمیز و از موضع ضعف بود. میرزا ابوالحسن خان در سفرنامه خود به نام حیرت‌نامه الگوی زندگی انگلیس‌ها، اقتصاد صنعتی، سبک زندگی و رفاه و نظام سیاسی این کشور را مورد تمجید قرار داده است. میرزا به همراه سرگوراوزلی نقش برجسته‌ای در امضای معاهده مفصل و گلستان داشتند. سرگور اوزلی همراه و استاد میرزا مطالعات گسترده‌ای را در مورد تاریخ ایران باستان آغاز کرد که بعدها مبنای مشروعیت‌سازی برای حکومت پهلوی شد. این فرد در انعقاد قراردادهای گلستان و ترکمانچای و جدایی سرزمین‌های شمالی نقش اساسی داشت. میرزا بعدها در مقام وزیر امور خارجه زمینه عهدنامه تجاری ۱۸۴۱ را با انگلیس فراهم آورد. سرجان مکنیل وزیر مختار وقت انگلیس در مورد او نوشته است:

« فریه جان حالا وزیر امور خارجه شده است. رفتارش در تمامی جریان عالی بود و ترتیب کار را بدون یک کلمه نامطبوع داد».

از دیگر فراماسونری‌های معروف سه تن از شاهزادگان فراری قاجار بودند. در واقع سه تن از فرزندان فتحعلی‌شاه با زمینه‌سازی عوامل انگلیس به آن کشور فرار کردند و به جرگه فراماسونری درآمدند. جیمز فریزر مهماندار این سه تن آن‌ها را به دربار، پارلمان، تماشای کارخانجات، راه آهن، باغ وحش، کارخانه کشتی سازی، بانک و بالاخره مجمع فراماسونری برد. عضویت این افراد در فراماسونری با ضمانت میرزا ابراهیم خان کلانتر انجام شد. این افراد بعدها در زمان محمد شاه به تحریک انگلیس‌ها در غرب کشور به ایجاد بی‌ثباتی دست زدند.

جعفرخان مشیرالدوله صدراعظم ناصرالدین شاه، یکی دیگر از دانشجویان اعزامی به لندن بود که در لندن پس از طی تحصیلات مهندسی به جرگه فراماسونرها درآمد. وی گزارش کاملی از نهادها و تحولات اقتصادی و اجتماعی تهیه کرد که از آن با عنوان تنظیمات یاد می‌شد. انتشار آن منجر به ایجاد شورای دولتی به دستور ناصرالدین شاه شد. در سال ۱۸۵۸ ملکم خان کتابچه‌های غیبی را در کمک به مشیرالدوله نوشت. مشیرالدوله به دنبال تشویق مشارکت اقتصادی و سرمایه‌گذاری انگلیس در ایران بود. میرزا جعفرخان مشیرالدوله پس از برکناری آقاخان نوری به همراه ملکم خان مأمور به تأسیس شورای دولتی شد و خود ریاست آن را به عهده گرفت.

او وزارت خانه‌های شش‌گانه خارجه، مالیه، داخله، جنگ، وظایف و علوم را تأسیس کرد. این فرمان همزمان با انحلال فراموشخانه ملکم بود. از نظر انگلیسی‌ها: علما مخالف اصلاحات مشیرالدوله بودند. این در حالی است که او فقط به دنبال اصلاح و نوسازی نظام کهنه اقتصادی و سیاسی کشور بود و انگلستان را به عنوان یک کشور صنعتی و منبع سرمایه می‌شناخت. در این دوران دادن امتیازات اقتصادی به خارجی‌ان و دریافت مبالغ اندکی منابع مالی معادل نوسازی اقتصادی فرض می‌شد. در واقع امتیازات اقتصادی نیم بند به بهای از دست رفتن استقلال اقتصادی و سیاسی بدست می‌آمد.

در سال ۱۸۶۰ با تلاش جعفرخان مشیرالدوله با اتحاد کابل و قندهار افغانستان از ایران جدا شد. در مقابل این موضوع اقساط معوقه کمک سالانه انگلیس به ایران طبق قرارداد ۱۸۱۴ که ۲۵۰ هزار تومان بود، تاووم یافت. قرار شد برای تجهیز ده‌هنگ سرباز تجهیزات و پول کافی در اختیار ایران قرار گیرد. اما در نهایت انگلیس به بهانه‌های مختلف از انجام وعده‌های خود طفره می‌رفت. قرارداد نفت داری و تأسیس مدرسه علوم سیاسی نیز توسط نصرالله مشیرالدوله فراماسونر امضا شد. بعدها مدرسه علوم سیاسی فرزندان طبقه اعیان قاجار را برای تربیت دیپلمات‌های وطن پرست پرورش می‌داد. در حالی که در این مدرسه تبلیغ قدرت و نفوذ انگلیس انجام می‌شد. از نظر ولی خان نصر از معلمین این مدرسه ایران به مانند خزّه و انگلیس به مانند دیواری است که آن خزّه به چسبیده است.

خان ملک ساسانی می‌نویسد اساتید این مدرسه شاگردان مطیع و بی‌سواد را در وزارت خارجه و شرکت نفت رشد می‌دادند.

یکی دیگر از فراموسنرهای مشهور میرزا حسین‌خان سپهسالار دومین مشیرالدوله و صدراعظم ناصرالدین شاه بود. راولینسون از کارگزاران سیاسی انگلیس در مورد او می‌گوید: در تمامی مسائل و قضایا دخالت و نفوذ موفقیت‌آمیز شخص صدراعظم که برای احیای مملکت ایران طرح شده منافع ایران و انگلستان را توأم دنبال می‌کند. بنیانگذار فراماسونری در ایران میرزا ملکم‌خان بود او با ایجاد فراموشخانه و بعدها مجمع آدمیت ظاهراً به دنبال ایجاد حکومت قانون، اصلاحات اداری، کسب درآمد بیش‌تر، نوسازی ارتش، توسعه اقتصادی ایجاد راه خاکی و راه آهن، بانک و کارخانه از طریق حضور سرمایه‌گذاران خارجی بود. ملکم به دنبال پروتستانتیسم اسلامی بود؛ او معتقد بود مذهب باید با دینی که ساخته انسان است، تعدیل شود. بر اساس آراء ملکم و اعضای فراموشخانه و مجمع آدمیت، جامعه به دو دسته مترقی و ارتجاع تقسیم می‌شدند. او طرفدار دین انسانیت بود و به علما به‌عنوان قشر فئاتیک جامعه ایران حمله می‌کرد و یا در صدد تأثیرگذاری و جذب آن‌ها بود (محیط طباطبایی، ۱۳۲۷).

فراموشخانه در ابتدا با هدف تقویت قدرت شاه به وجود آمد ولی پس مدتی در آن از اصلاحات و ترقیات اروپا صحبت به میان آورد و از تعدیل قدرت پادشاه صحبت می‌کرد. روزنامه قانون با حمایت انگلیسی‌ها به ابزاری برای فشار بر شاه و دربار قاجار تبدیل شد. روزنامه‌ی قانون در لندن در چاپخانه شرکت انطباعات شرقی که یکی از مؤسسات وزارت مستعمرات و وابسته به شرکت هند شرقی بود چاپ و مجانی در ایران توزیع و دست به دست می‌شد. از نظر روزنامه‌های انگلیس مانند تایمز در این زمان ناصرالدین شاه که سه بار به لندن مسافرت کرده بود و مورد استقبال دربار انگلیس قرار گرفته، دیکتاتوری بود که هیچ نیروی بازدارنده‌ای در مقابل او وجود نداشت. با وجود مخالفت دربار با این روند، ملکم به تشویق روحانیون، تجار و روشنفکران برای تغییر مورد نظر انگلیسی‌ها مشغول بود.

با این تفصیل در این دوره زندگی فکری و فرهنگی تحت تأثیر عوامل بومی و غربی قرار داشت. بخش عمده‌ی ادبیات اصلاحی جدید از الگوهای غربی الهام می‌گرفت. این ادبیات که اغلب در خارج انتشار می‌یافت، نهادهای موجود را مورد انتقاد قرار می‌داد و خواستار تغییر بود. یکی از تغییرات فرهنگی هویت‌یابی با اصطلاح «ایران» بود. روشنفکران این دوره مانند مستشارالدوله از قرآن انتقاد می‌کردند و قوانین فرانسه را برتر از آن می‌دانستند. چرا که قوانین فرانسه با توافق دولت و ملت نوشته می‌شد. مستشارالدوله با چهار بار سفر به انگلیس کتاب یک کلمه را نوشت. او سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی و انگلیسی را تشویق می‌کرد (حائری، ۱۳۸۱). این در شرایطی بود که برای شرکت‌های بزرگ اروپایی و انگلیسی، نه قانون خواهی مردم ایران بلکه تبدیل ایران به یک کشور پیرامون و تضعیف قدرت و نفوذ روسیه مهم بود (آبادیان، ۱۳۸۳: ۱۰). این در حالی بود که با



حضور علما هویت مذهبی جامعه هم‌چنان حفظ می‌شد. نماد فرهنگی مهمی به مانند نمایش‌های مذهبی «تعزیه» که مورد علاقه‌ی همه‌ی گروه‌ها بود و برخی از شاهان قاجار از آن‌ها پشتیبانی می‌کردند، وجود داشت. تعلیم و تربیت که تحت کنترل علما بود، و مراسم سوگواری سالانه برای امام حسین علیه السلام در مردم نیرومندتر و مؤثرتر از فرهنگ درباری یا نوشته‌های اصلاح طلب بود. بنابراین ساختار اقتصادی و اجتماعی اصیل سنتی زنده و مقاوم بود.

حمایت انگلیسی‌ها از تشکل، تبلیغات و اقدامات فراماسونرهای مانند ملکم، پروتستانیسم و نوسازی اقتصادی و همکاری او با بابی‌ها و حضور شرکت‌های خارجی در حالی انجام می‌شد که اقدامات واقعی قائم مقام فراهانی و امیرکبیر را در جهت احیای ساختار اقتصاد سیاسی ایران بر نتابیدند. هنگامی که قائم مقام فراهانی صدراعظم شد. بی‌ثباتی و فرقه‌های مختلف اسماعیلیه یزد، فتنه تراکمه، فتنه امرای خراسان، باب، ازبک‌ها و افغانستان شروع شد. در این دوره گزارشات اداره اطلاعات نیروی قزاق تمامی این اعتراضات را به تحریک فراموشخانه و سفارت انگلیس نسبت می‌دهد(راعی، ۱۳۵۷: ۳۳۳).

مطالعه اقدامات امیرکبیر دلایل مخالفت فراماسونرها و انگلیسی‌ها را بیش‌تر روشن می‌کند. امیرکبیر علی محمد باب را اعدام کرد. با نشر روزنامه وقایع اتفاقیه، صنعت چاپ در زمان امیرکبیر رایج شد. نظام مالیاتی اصلاح شد(آدمیت، ۱۳۲۴). حمایت از تولیدکنندگان داخلی، دعوت از استادکاران خارجی، کاهش حقوق شاهزادگان، ایجاد سد در ایران، ایجاد سربازخانه و تولید سلاح، تأسیس درالفنون، تربیت استادان در زمینه داروسازی و معدن، نظارت بر کشتی‌رانی در جنوب که انگلیس‌ها به بهانه تجارت برده بدست آورده بودند از جمله اقدامات امیر کبیر بود.

رابطه امیر با روحانیت خوب و امیر به دنبال ایجاد عدلیه بود. وی مرزهای غربی و شرقی را حفظ کرد. این در حالی است که بخش‌هایی از سیستان و بلوچستان و هرات با همکاری کسانی چون آقاخان نوری، فرخ خان امین‌الدوله که هر دو از فراماسونرهای معرف بودند از ایران جدا شد. امیر به دنبال تحریک مهارجه‌های هندی بر علیه انگلیس‌ها در مقابل تحریکات افغان‌ها بر علیه ایران بود(مکی، ۱۳۶۵). وی مشی موازنه منفی در سیاست خارجی در پیش گرفت. امیر در مقابل دخالت روس و انگلیس در حمایت از ارمنیان مقاومت کرد و به‌صورت پنهان رفتارها سفیر انگلیس و عوامل آن‌ها را زیر نظر گرفت(حکیمی، ۱۳۶۷). این اقدامات منجر به توطئه‌ی قتل امیرکبیر شد. برخی علل شکست اصلاحات امیرکبیر را در قلع و قمع سیاسی رجال مورد حمایت سفارتین ذکر کردند. با قتل امیر اقدامات او بی‌سرانجام ماند.

امیرکبیر سد ناصری را بر رودخانه کرخه در خوزستان احداث کرد. در حالی که بعد از او در سال ۱۸۸۲ م فقط در خوزستان یازده سد مخروبه وجود داشت و علیرغم تصمیم‌هایی که برای ساخت مجدد آن‌ها صورت گرفت، هیچکدام به نتیجه‌ای نرسید. اصلاحات امیرکبیر در مورد مالیات باعث شد که زمین‌های موات زیر کشت برود ولی پس از مرگ وی زیاده‌ستانی‌ها آغاز شد و به‌دنبال آن

قحطی‌های سال‌های ۸۸-۱۲۸۶ (۷۲-۱۸۶۹) اکثر اراضی خالصه و اربابی بار دیگر به صورت اراضی موات درآمدند (رزاقی، ۱۳۷۶: ۱۳). اقدامات امیرکبیر در تمامی زمین‌ها آن‌چنان اساسی و مهم بود که در صورت استمرار مطمئناً تأثیر بسزایی بر سیاست، اقتصاد و فرهنگ ایران برجا می‌گذاشت (آدمیت، ۱۳۶۲). پس از امیرکبیر صدارت به آقا خان نوری سپرده شد که او به خلاف امیرکبیر مصلحت را در این می‌دید که برای مردم فرق اوضاع اروپا با ایران درست معلوم نشود، نگرانی او از تغییر و نوسازی آنقدر زیاد بود که مانع راه اندازی تلگراف شد.

کسانی مانند امیرکبیر و قائم مقام درحالی به قتل رسیدند که فراموسونرها نه نوسازی و اصلاح واقعی بلکه اهداف دیگری را پیگیری می‌کردند. اسنادی که در مورد ملکم خان موجود است تا حدود زیادی شاهی برای مدعا است. ملکم خان در یکی از محافل خصوصی گفته بود:

«من بیکاری را قبول می‌کنم بشرطی که اسباب گذران من آماده باشد من اگر فقط حقه بازی کنم مانند همان کاری که در فراموشخانه می‌کردم سالی هفت هشت هزار تومان عاید من می‌شود. اگر فراموشخانه برپا کنم سالی ۲۰ هزار تومان مداخل می‌کنم. اگر روزنامه نویسی کنم به اصطلاح قدیمی‌ها هر کسی را بخوایم بزانو می‌اندازم» (به نقل از راین، ۱۳۵۷: ۵۰۲).

ملکم خان هنگامی که وزیر مختار ایران در انگلیس بود ارتباط نزدیکی با وزیر کابینه دولت انگلیس داشت. از جمله اقداماتی که با کمک ملکم خان انجام شد واگذاری امتیاز کشتی‌رانی بر روی رودخانه کارون بود که به بهانه جلوگیری از نفوذ روس‌ها به شرکت کشتی‌رانی برادران لینچ واگذار شد (کرزن، پیشین). از مظاهر دیگر نوسازی که به کمک کسانی چون ملکم خان ایجاد شد اعطای امتیاز توتون و تنباکو و تأسیس بانک شاهی و عملیات صرافی در ایران با مشارکت تمام بانک‌های انگلیس و امتیاز ساختن راه از تهران به سواحل جنوبی ایران بود (رایس، پیشین: ۲۹۳).

## ۸. تشویق شاه به نوسازی توسط فراماسونری‌ها

در کنار این اقدامات عوامل انگلیس و در رأس آن‌ها فراماسونرها با تشویق شاه به مسافرت به فرنگ و آشنایی با تحولات جدید او را به ایجاد تغییر و نوسازی به سبک مورد نظر غربی‌ها تشویق می‌کردند. از ۱۸۶۰ و حتی قبل از آن ناصرالدین شاه با تلاش کسانی چون مشیرالدوله و تبلیغات میرزا مالکم خان به نوسازی اقتصادی متمایل شده بود. در سال ۱۸۶۲ ناصرالدین شاه با عبور خط تلگراف لندن به هندوستان از خاک ایران و تعیین حدود مرزی ایران، افغانستان و هندوستان به ریاست گلد اسمیت که منجر به جدایی بخش از سیستان شد موافقت کرد (گریوز، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰).

در سال ۱۸۷۳ به هنگام اولین سفر به اروپا با تلاش دوستان ایرانی انگلیس و دادن امتیازات، شاه مطمئن بود که در سفر به لندن از او استقبال خواهند شد. جوزف ویلکن پزشک مخصوص ناصرالدین شاه، رونالد تامسن برادر وزیر مختار انگلیس و برخی از ارمنیان مانند میکائیل برادر ملکم

خان مشوق و همراهان ناصرالدین شاه در سفر به فرنگ بودند. نتایج اولین سفر ناصرالدین شاه علاوه بر درخواست انگلیس در افزایش حمایت از اقلیت‌ها مذهبی ساخت اولین هتل به سبک جدید، تأسیس یک باغ وحش، رواج دامن‌های توری کوتاه برای زنان اندرونی، رقص باله، میل‌های فرنگی و ظروف چینی بود. حال دیگر معنی نوسازی اقتصادی و تغییر نظام کهنه بیش‌تر آشکار شده بود. شاید بدنبال این تحولات است که کرزن می‌گوید بین سال‌های ۱۸۴۸ تا ۱۸۹۱ پیشرفت‌های بارزی در احراز اسباب و تمدن و فرهنگ، آسایش و امنیت در ایران ملاحظه می‌شود. وی باز و کم شدن پوشش زنان اندرونی شاه را نشانه‌ای از این پیشرفت می‌داند.

ناصرالدین شاه در سفر خود از مراکز و کارخانه‌جات صنعتی مانند کشتی‌سازی نساجی منچستر و نیوکاسل و سرمایه‌گذاران معروف انگلیس دیدار کرد. که نتیجه آن واگذاری امتیاز تنباکو و رویتر بود. بر اساس این امتیاز حیات اقتصادی ایران به اسم نوسازی اقتصادی به رویتر داده شد. امتیاز احداث راه آهن در سراسر کشور، نظام آبیاری و توسعه آن، معادن، بانک، خطوط تلگراف، کارخانه صنعتی در مقابل شش میلیون لیره وام پنج درصد به بارون جولیبوس رویتر داده شود. به گفته راولینسون و لرد کرزن باور این موضوع حتی برای انگلیسی‌ها سخت بود. این قرارداد سرآغاز دادن امتیازات به روس‌ها نیز بود. ملکم برای این قرارداد ۲۰ هزار لیره حق دلالی گرفت.

در سفر سوم ناصرالدین شاه در ۱۸۸۸ م. ملکم در مقابل ۱۰۰۰ لیره امتیاز تأسیس لاتاری را برای انجام قرعه کشی و فروش بلیط‌های بخت آزمایی و قمار در ایران دریافت کرد. این امتیاز با مشارکت ۳۵۲ شرکت در مرکز مالی لندن و با همکاری شرکت بانک داری شرق جدید امضا شد ولی در نهایت با مخالفت علما و مردم و تجار، برخی از دیوانسالاران و روشنفکران هر دو امتیاز لغو شد. در ادامه ملکم به دلیل برگشت ندادن سرمایه و مبلغ دلالی که از شرکای انگلیسی گرفته بود به دادگاه احضار شد (آبادیان، ۱۳۸۳).

## ۹. مقاومت علمای مذهبی و بازاریان در مقابل واگذاری امتیازات

در ادامه روند تشویق نوسازی در ایران در مارس ۱۸۹۰ (اسفند ۱۲۶۸) امتیاز انحصار تولید، فروش و صدور تنباکو و توتون ایران به یک تبعه‌ی انگلیس واگذار شد. در آغاز، واگذاری این امتیاز مخفی نگه داشته شد، اما در اواخر سال ۱۸۹۰ (۱۲۶۹) روزنامه‌ی فارسی زبان اختر چاپ استانبول در یک رشته مقالات به انتقاد شدید از آن پرداخت. نخستین اعلامیه‌های محفل سید جمال‌الدین اسدآبادی این امتیاز را چون امتیازی در میان بسیاری امتیازات دیگر مورد حمله قرار داد. اعلامیه‌های جدیدی بر ضد امتیاز در بهار پخش شد. امتیاز تنباکو بسیار بیش از امتیازات دیگر در ایران توجه همگان را به خود جلب کرد، چرا که این تنها امتیازی بود که با محصولی سروکار داشت که پیش از آن ایرانیان آن را به وسعت کشت، توزیع و صادر می‌کردند، امتیازات دیگر عمدتاً با محصولات و

حوزه‌هایی سرو کار داشت که مورد بهره‌برداری قرار نگرفته بود. بسیاری از زمین‌داران، بازرگانان، مغازه‌داران از توتون و تنباکو کسب درآمد می‌کردند و عده‌ی بیش‌تری نیز به کشت آن اشتغال داشتند و طبیعی بود که بر ضد این امتیاز برانگیخته شوند. بازرگانان در تبلیغ و سازماندهی این اعتراض نقش ویژه‌ای داشتند، اما تا حدی در پشت صحنه ماندند و علما را به اظهار نظر عمومی تشویق کردند.

در بهار سال ۱۸۹۱ (۱۲۷۰) نخستین اعتراض عمده از شیراز برخاست، لذا رهبر مذهبی نامدار این شهر، سید علی اکبر فال اسیری، را به عراق تبعید کردند. او در عراق با سید جمال الدین اسدآبادی دیدار کرد و اسدآبادی نامه‌ی مشهوری خطاب به مهم‌ترین مرجع شیعه حاج میرزا محمد حسن شیرازی نوشت و از او خواست که فروش ایران را از طرف شاه به اروپاییان محکوم کند. بدون درگیری علما، مشارکت فراگیر توده‌ای در این نهضت و جنبش‌های بعدی با چنان وسعتی رخ نمی‌داد.

در دسامبر ۱۸۹۱ (آذر ۱۲۷۰) با تحریم موفقیت‌آمیز فروش و استفاده از توتون و تنباکو جنبش اعتراضی در مقیاس ملی به اوج خود رسید. حتی زنان شاه، به رهبری انیس‌الدوله، و غیر مسلمانان نیز این تحریم را رعایت کردند. در اوایل سال ۱۸۹۲ (اواخر سال ۱۲۷۰) حکومت کل قرار داد را لغو کرد. نهضت تنباکو و توافق پس از آن برای ایران به قیمت نخستین قرضه‌ی خارجی به مبلغ پانصد هزار لیره تمام شد که حکومت از بانک شاهنشاهی ایران گرفت و به‌عنوان غرامت به شرکت پرداخت. در نهضت تنباکو بازاریان (و بعدها دیگر عناصر طبقه متوسط شهری)، بخشی از علما و روشنفکران -اصلاح طلب، انقلابی و ملی‌گرا- نقش داشتند. مشارکت ملی در نهضت تنباکو و درگیری علمای طراز اول شیعه مقیم عراق، قدرت شبکه‌ی بازرگانان و علما را نشان داد و دربار و انگلیسی‌ها را وادار به عقب نشینی کرد.

انگلیس‌ها پیش از لغو قراردادهای اقتصادی نسبت به مخالفت علما حساس شده بودند. چنانچه وزیر مختار انگلیس سردرمد ولف قبل از اعطای امتیازات اقتصادی نسبت به مخالف علما اظهار نگرانی کرده بود. او در نامه خود به امین‌السلطان صدر اعظم ناصرالدین شاه می‌نویسد:

«محترمانه خاطر منیر ملوکانه را از وجوب سد راه صدمه و اذیت مجدد به اصفهان به واسطه فساد و فتنه انگیزی این شخص مستحضر می‌دارد. چون تجارت خارجه رو به ازدیاد است. چندین تجارت خانه در آن محل احداث شده است، خیلی محل افسوس خواهد بود که حادثه‌ای که اسباب واهمه سکنه اروپایی آنجا باشد حادث شود» (صفایی، ۱۳۵۷).

منظور سفیر از این شخص آیت الله شیخ محمد تقی نجفی اصفهانی از نزدیکان میرزای شیرازی بود (نجفی و فقیه حقانی، پیشین: ۱۷۸) که از مدت‌ها پیش حضور کالاهای خارجی و ضربه به تولید ملی را توسط انگلیسی‌ها بر نمی‌تابند.

در همین ارتباط شیخ فضل الله نوری سه سال قبل از اعطای امتیاز تنباکو از میرزای شیرازی در مورد الگوی اقتصادی که در زمینه تجارت خارجی و داخلی در حال حاکم شدن بر جامعه است استفتا کرده بود. این به معنای آن است که علما می‌دانستند نوسازی به سبک انگلیسی بخصوص در زمینه اقتصادی به بهای از بین رفتن استقلال اقتصاد ملی بود. بنابراین نهضت تنباکو اوج مبارزه و زمان علنی شدن مقابله در مقابل تغییر ساختار اقتصادی بود (اعتماد السلطنه، ۱۳۷۴: ج ۱). در این زمان هجوم کالاهای خارجی به شدت افزایش یافته و تولید ملی را در معرض خطر قرار داده و خطر وابستگی را گوشزد می‌کرد از این رو یکی از موضوعات مهم در مجالس وعظ و خطابه موضع‌گیری بر علیه هجوم محصولات خارجی در ایران بود (نجفی و فقیه حقانی، پیشین: ۱۸۴).

از این زمان است که نفرت از انگلیس و انگلیسی و فرنگ و فرنگی با فتوی میرزای شیرازی رشد کرد. روحانیونی چون ملا علی کنی، شیخ فضل الله نوری، شیخ محمد تقی اصفهانی، آیت الله حاج سید علی اکبر فال اسیری، آیت الله حاج میرزا جواد آقا از علمای به نام بودند که در مقابل هجمه اقتصادی به مقابله پرداختند. حاج آقا جواد آقا در نامه‌ای به ناصرالدین شاه نوشت:

«۴۰ سال است سلطنت می‌کنی محض طمع مملکت خود را قطعه قطعه به فرنگ فروخته‌ای، خود دانی، اما ما اهالی آذربایجان خودمان را به فرنگی نمی‌فروشیم و تا جان داریم می‌کوشیم» (به نقل از نجفی و فقیه حقانی، پیشین: ۱۹۲).

نحوه برخورد علما بر اساس تحولاتی بود که به لحاظ اقتصادی برای عموم مردم ملموس بود. علما و برخی از تجار و طبقات پایین روستایی از جمله مخالفان اصلی این روند بودند. در طی قرن نوزدهم تحولاتی رخ داد که باعث تقویت موضع علمای شیعه شده بود. در اواخر قرن نوزدهم، نحله‌ای از علما به نام اصولی‌ها، که برای روحانیان برجسته، مجتهدین، قدرت زیادی قائل بودند، بر نحله‌ی رقیب، اخباری‌ها، پیروز شد و از آن پس به صورت نحله و مکتب غالب درآمد. این نحله معتقد بود تمام مومنان باید از احکام یک مجتهد به انتخاب خود پیروی کنند و وجوهات مذهبی خود را مستقیماً به او بپردازند. در نیمه‌ی قرن، حرکتی در جهت بازشناسی مخصوص گروه مجتهدان طراز اول، یا حتی یک مجتهد بی‌همتا، آغاز شد. این دوره هم‌زمان بود با افزایش قدرت و نارضایتی روحانیت که پیوند نزدیکی با طبقات بازاری و نارضایتی‌های آن‌ها داشتند. روحانیان، کنترل خود را بر مالیات‌های مذهبی حفظ کرده و در شهرهای مقدس عراق دور از کنترل حکومت ایران اقامت داشتند (کدی، ۱۳۸۵: ۳۹-۳۱).

### ۱۰. تغییر ساختار اقتصادی و شکل‌گیری وابستگی

در این شرایط با تمام تلاشی که از سوی بخشی از جامعه‌ی ایران و در رأس آن علما صورت گرفت. بی‌ثباتی و عدم انسجام سیاسی و اجتماعی، جنگ‌های تحمیلی، اصلاحات شتاب‌زده و بی-

ریشه ناشی از دخالت‌های خارجی فرصتی برای انطباق ساختار سنتی با تحولات جدید فراهم نکرد. از آنجایی که ایران کشوری کشاورزی بود، لذا عمده‌ی درآمدهای دولت قاجار براساس مالیات‌هایی که از کشاورزان دریافت می‌کردند، تأمین می‌شد. این مالیات‌ها به دلیل نیاز روز افزون دولت و مخارج سفرهای شاه، افزایش یافت و در نتیجه فشار زیادی به کشاورزان وارد می‌آمد این روند در نیمه دوم سده نوزدهم در سال ۱۸۶۴ به اوج خود رسید. خالی شدن خزانه از زمان سلطنت فتحعلی شاه و محمد شاه کاملاً آشکار شد. این امر به تنزل شدید ارزش تومانی، افزایش قیمت‌ها، کمبود عمومی پول، و شاید افزایش معاملات اعتباری با نرخ بسیار بالای بهره منجر شد. به دلیل وضعیت موجود یعنی کاهش تولید علی‌رغم رشد کمی و کیفی سکه‌ها از دوره فتحعلی شاه، ارزش پول کشور پیوسته پایین آمد به طوری که یک تومان زرین در اوایل حکومت فتحعلی شاه با وزن حدود ۹۶ حبه ضرب می‌شد. اما در اواخر حکومت وی، وزن این سکه به حدود ۵۳ حبه رسید و یک ریال سیمین از ۱۸۰ حبه به ۱۴۲ حبه تنزل کرد (شهپازی فراهانی، ۱۳۷۸: ۱۲۳).

شیوع بیماری مشکوک ماسکاردین در سال ۱۸۷۳ منجر به نابودی بخش قابل توجهی از ابریشم ایران شد و آن را به یک سوم کاهش داد. با این حال دولت مرکزی همان مالیات ارضی پیشین را از منطقه دریافت می‌کرد (معتضد، ۱۳۸۸). ضربه‌ای که به اقتصاد شمال ایران از نابودی ابریشم وارد آمد با کشت گسترده تنباکو و برنج و صادرات آن، جایگزین شد. از نیمه نخست سده نوزدهم ۱۸۴۰ تنباکو از مهم‌ترین اقلام صادراتی ایران به شمار می‌آمد که به انگلیس، هند، عثمانی و مصر صادر می‌شده است. تنباکو در بیش‌تر قسمت‌های ایران کشت می‌شد (دوبد، ۱۳۷۱). علاوه بر این‌ها، صادرات خشکبار نیز رشد فزاینده‌ای داشت و از ۳ درصد کل صادرات در ۱۲۶۸ به ۱۸ درصد در سال ۱۲۸۹ رسید. تلاش دولت برای افزایش حجم صادرات به منظور جبران کسری تراز بازرگانی یا کاستن از آن صورت می‌گرفت (تره زال، ۱۳۶۱). صدور مواد غذایی به کمبود شدید مواد غذایی و بروز قحطی منجر شد (لایارد، ۱۳۷۶). چون صنعت رونق نداشت، تراز تجاری به لحاظ کمی و کیفی به نفع روسیه و انگلیس تغییر کرد.

با ابزارهایی که انگلیس‌ها به کار گرفتند تغییر و تحول در ساخت و ترکیب اقتصاد ملی و به دنبال آن تجارت خارجی شکل گرفت. منسوجات که یکی از اقلام مهم صادراتی به شمار می‌رفت، یکی از اقلام اصلی واردات شد. تأسیس کارخانه، بویژه کارخانه‌های نساجی در هند توسط انگلیستان باعث سرازیر شدن محصولات آن‌ها به ایران شد. یکی از تغییرات مهم در زمینه واردات، افزایش بسیار زیاد کالاهای مستعمراتی بویژه چای و شکر بود. به تدریج ایران از مقام صادر کننده حبوبات به وارد کننده آن‌ها تنزل کرد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۱۰۸). با ورود حجم انبوه کالاها به بازارهای ایران، کارگاه‌ها یکی پس از دیگری ورشکسته شدند (فلور، ۱۳۶۴: ۱۷۸-۱۷۶). اندک اندک برخی از بازرگانان ایرانی نیز در خدمت بیگانگان درآمدند و به معامله کالاهای آن‌ها پرداختند.

به دلیل هجوم سرمایه خارجی و همکاری و پیوندهای ناگزیر تجار ایرانی با آن، شرایط برای فعالیت سرمایه ملی از بین رفت. سرمایه‌داران ایرانی اجباراً در کشاورزی سرمایه گذاری کرده بودند. زیرا محصولاتی مانند پنبه تریاک و امثالهم در بازارهای نوظهور به عنوان مواد خام مورد نیاز کشورهای صنعتی طرفدار زیادی داشت. از این طریق به تدریج بانک‌های خارجی که از امتیاز تنباکو بر اقتصاد ایران مسلط شده بودند از طریق استقراض وابستگی را تکمیل کردند. این امر تأثیر منفی بر انباشت سرمایه داشت این فرایند با انقلاب مشروطه و شکست آن تشدید شد. امتیازات مهم‌ترین راه رخنه سرمایه‌گذاری خارجی به ایران بود و این امر از طریق تحمیل نظام کاپیتولاسیون و گرفتن انواع مالیات‌ها از تجار محلی و معافیت تجار و کالای خارجی از مالیات تشدید می‌شد. در واقع عصر قاجار را باید عصر امتیازات نامید. سرنوشت محصولات کشاورزی در دست شرکت‌های خارجی بود (عیسوی، ۱۳۶۲: ۷۰). بنابراین روند کاهش رشد اقتصادی که از سال‌ها پیش شروع شده بود تا قبل از مشروطه به اوج رسید. این امر باعث ضعف اقتصاد روستایی شد.

بنابراین تغییرات و آشفتگی‌های اقتصادی و اجتماعی در ایران قرن نوزدهم که سلطه‌ی رو به رشد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای غربی، به ویژه انگلستان را به دنبال داشت زمینه آغاز دشمنی فزاینده روحانیون و مردم نسبت به حکومت و خارجیان شد. عکس‌العمل بازرگانان ایرانی در برابر چنین سلطه‌ای و نیز استبداد داخلی پادشاهان قاجار، تسلیم و مهاجرت بخشی از آن‌ها به کشورهای هم‌جوار بویژه هندوستان و مقاومت برخی دیگر بود (فیوضات، پیشین: ۱۲۰). حاج زین‌العابدین مراغه‌ای، این طیف را به دلیل اشتراک منافع با خوانین و ملاکان بزرگ چنین وصف می‌کند:

«طبقه تجار اصلاً در خیال ترقی تجارت و توسعه اداره آنان نیستند. در تمام تهران یک کمپانی و شرکت برای ترویج امتعه و محصولات مملکت تشکیل نیافته، تجار چرا کارخانه چیت‌سازی و شمع‌سازی و قندسازی دایر نمی‌کنند؟ اینان که تاجر نام دارند تاجر نیستند. مزدوران فرنگ‌اند بلکه دشمنان وطن خودشان هستند؛ زیرا، هر سال پول کشور را بار کرده به ممالک خارجه می‌برند و در مقابل، اجناس آنان را به وطن نقل می‌دهند»

صنایع بومی مانند نساجی، زربافی، خرازی و جبه‌داری متروک شدند. در کل جایگزین کالاهای صنعتی وارداتی به جای محصولات دست‌ساز داخلی و گسترش بیکاری، تبدیل کارکنان صنعت قالی بافی، که در غرب بازار پر رونقی داشت، به کارگران که اغلب با شرایط بد و دستمزد پایین مجبور به کار بودند، سقوط قیمت محصولات صادراتی ایران در مقایسه با واردات کالاهای اروپایی، سقوط قیمت بین‌المللی نقره که پشتوانه‌ی پول رایج ایران بود، جایگزینی کشت محصولات صادراتی به جای محصولات مصرفی مردم از معضلات اقتصادی این دوره بود.

این روند تا انقلاب مشروطه ادامه داشت. با این اوصاف دخالت خارجیان در شروع انقلاب مشروطه حکومت خودکامه مطلق و رژیم بزرگ ایلی، از میان رفتن استقلال سیاسی و مالی مملکت،

نابودی هر کوششی در جهت اصلاح مستقل امور اعم از سیاسی و مالی، فقر و تنگدستی عمومی، بروز انواع بیماری‌های خطرناک و قحطی‌های طبیعی و مصنوعی، عدم بهداشت عمومی، از میان رفتن کارگاه‌های کوچک و صنایع بومی در رقابت با صنایع اروپایی، عدم وجود راه‌های مناسب ارتباطی، فساد درباریان و شاهزادگان قاجار، فراردهقانان از روستاها و مهاجرت‌های دسته‌جمعی به کشورهای هم‌جوار معضلات اقتصاد سیاسی ایران و نتایج حاصل از نوسازی در این دوران بود (حسام مقدم، وب‌سایت مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی).

در مجموع کشاورزی ضعیف و فتودال‌ها دهداری خود را با احتیاجات بازارهای خارجی منطبق می‌کردند. آن‌ها به دنبال افزایش محصول بودند ولی نه با بهبود فن‌آوری بلکه با استثمار کشاورزان (کاساگوفسکی، ۱۳۴۴: ۱۲) چند کارخانه‌ای را هم که امین‌السلطان ایجاد کرده بود، توان رقابت نداشتند. بسیاری از تجار ایرانی خود را تحت حمایت سفارتخانه‌های خارجی در می‌آوردند. انعقاد موافقت‌نامه‌های تعرفه‌ای صنعت داخلی را از حیث فنی در رقابت با محصولات ماشینی ارزان قیمت بی‌دفاع گذاشت، حاصل این فرایند از دست دادن صادرات کالاهای ساخته شده، گرایش به سمت تولید فرآورده‌های کشاورزی تجاری، کاهش احتمالی تولید مواد غذایی اصلی و افزایش عمومی واردات بود.

مبادلات تجاری ایران با شرکای روسی و انگلیسی چندین برابر افزایش یافت، در نتیجه مسیرها و راه‌های مواصلاتی و وسایل حمل و نقل دچار تحول شد و طبقه‌ای متنفع و ثروتمند از بازرگانان بزرگ شکل گرفتند تلاش آن‌ها فروش مواد خام تولیدی در کشور به کمپانی‌های خارجی و ورود بی‌رویه تولیدات صنعتی غرب بود که زوال تدریجی صنایع دستی و محلی ایران را در پی داشت. در واقع تسلط سیاسی روسیه و بریتانیا، ساختار اقتصاد سیاسی و تجارت ایران را تغییر داد. نمونه‌های متعددی از شکایات بازرگانان محلی علیه ورود کالاهای خارجی و نیز ورشکستگی‌هایی که نتیجه تغییر شرایط تجارت خارجی بود وجود دارد. رقابت خارجی فزاینده، عامل رشد نارضایتی و تهدیدی برای شیوه زندگی بومی تلقی می‌شد. در نتیجه کاهش ارزش پول ایران تا پایان دوره قاجار همچنان ادامه داشت و حاصل آن فقر فزاینده بود.

فقر پدیده‌ای جدید در صحنه ایران نبود اما از دوره سلطنت ناصرالدین شاه فقر با دخالت فزاینده بیگانگان تجربه می‌شد. برای اصلاح بنیه مالی کشور و تضمین پرداخت بهره قرضه‌های خارجی، اداره گمرکات به بلژیکی‌ها واگذار شد. تعرفه جدیدی با روس‌ها توافق شد. که در سال ۱۹۰۳ به اجرا درآمد و طبقات تجار و به‌طور کلی مردم را ناراضی کرد. موضوع قرضه‌های خارجی احساسات مذهبی - ملی را از حدود سال ۱۹۰۰ م به بعد تشدید کرد. این مسأله با رقابت قدرت‌های خارجی و توطئه‌های داخلی به شکل بغرنجی درآمد. کشمکش واقعی بین حکومت و علما بر سر مسأله‌ی قرضه‌های خارجی به شیوه حکومت و بر باد دادن منابع ایران مربوط بود (لمبتون، ۱۳۷۵: ۳۸۰).



نامنی به‌عنوان آفت پیشرفت و ثبات اقتصادی و سیاسی تا بالاترین سطوح و در تمام حوزه‌ها به چشم می‌خورد و عرصه‌های مختلف حیات فردی و اجتماعی را شامل می‌شد. ناامنی جان و مال تا ناامنی کاروان‌ها، شهرها و آبادی‌ها مانع رونق اقتصادی و رفاه اجتماعی بود. ضعف دولت مرکزی خودسری حکام محلی ایالات، شورش‌های داخلی، فقدان نظم و قانون، مداخلات خارجی از عوامل زمینه‌ساز بحران‌های یاد شده بودند. گزارشات زیادی درباره درگیری حکومت با مردم و عشایر بر سر مالیات و کمبود یا افزایش قیمت نان و گوشت وجود دارد (شه‌بازی، ۱۳۷۹: ج ۳). بنابراین فقدان قانون و امنیت، فقدان ساختارسیاسی مستقل، سیاست‌های نامناسب پولی، گمرکی و ثقل در مسکوکات، تراز منفی پرداخت‌های خارجی و فعالیت‌های بانک‌های خارجی مانع از رشد انباشت سرمایه بود. دولت شدیداً در معرض فشار ناشی از خزانه خالی و کسری بودجه قرار داشت لذا به سیاست استفاده از قرضه خارجی با ضمانت درآمدهای گمرکات روی آورد (شاهدی، ۱۳۷۵: ۴۳ - ۳۷). بهترین راه برای به تعویق انداختن بازپرداخت اقساط سررسید شده، دادن امتیازات جدید مانند واگذاری امور مالی به کمیسیون روسی انگلیسی بلژیکی بود (اشرف، ۱۳۵۹: ۱۲۶ - ۱۲۴). کشورهای خارجی بخصوص انگلیس از این طریق به تحکیم بانک‌های خصوصی و دولتی خود پرداختند. وام‌های کلان به دولت‌مردان ایرانی آن‌ها را به انگلیس وابسته کرد.

### ۱۱. تداوم ساختارهای اقتصادی اجتماعی وابسته بعد مشروطه

در این شرایط گروه‌های اجتماعی فکر می‌کردند مشروطیت چاره‌ی بحران اقتصادی و ایجاد پیشرفت اقتصادی است. نوسازی تحمیلی از عوامل اصلی افزایش ناراضی و بروز انقلاب مشروطه بود. اما این روندها بعد از انقلاب مشروطه هم‌چنان تداوم داشت. تلاش مشروطه‌خواهان برای تأسیس یک بانک ملی با کارشکنی‌های مداوم روس و انگلیس ناکام ماند. تأسیس و گسترش بانک شاهنشاهی ایران بانک استقراری ایران که با تسلط بر بازار پول کشور همراه بود باعث تحکیم و تثبیت نفوذ استعماری همسایگان شمالی و جنوبی در کشور شد و مانع اساسی در راه توسعه‌ی درون‌زای بانکداری نوین از بطن بانکداری سنتی بود. بر این اساس در ۱۹۱۱ وامی به مبلغ ۱۱/۲۵۰۰۰۰ از طریق بانک شاهنشاهی در اختیار ایران قرار گرفت که گمرکات جنوب و ثقیه آن بود (آبادیان، ۱۳۸۳: ۵۶۴). بدین ترتیب در سال‌های پس از مشروطیت هم کشور فاقد یک نظام واحد پولی و مالی بود. این موضوع حکومت را در وضعیتی آسیب‌پذیر قرار داد و مانع جدی در راه استقرار مشروطیت واقعی بود (لمبتون، ۱۳۷۵: ۳۸۰ - ۳۷۳).

مجلس اول و حتی مجلس‌های بعدی در تصویب بودجه کشور ناتوان بودند و حداکثر می‌توانستند برخی بودجه‌های جزئی را تدوین کنند. در ایران قبل از مشروطه واژه‌ای به‌نام بودجه عملیاتی سابقه نداشت. تنها هر چند سال یک‌بار، صورتی به نام دخل و خرج کل مملکت تنظیم

می‌شد تا نسبت بین هزینه‌ها و درآمدها معلوم شود (مردیها، ۱۳۷۹: ۷۸-۷۴). استمرار این وضعیت و ناتوانی مجلس در سامان دادن به امور اقتصادی کشور و نیز ناکارآمدی شیوه‌ها و روش‌های سنتی در پاسخ‌گویی به نیازهای فزاینده مالی سرانجام به استخدام مستشاران خارجی و آمدن مورگان شوستر و یالمارسن منجر شد (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۰۱). در حالی که شرکت نفت ایران و انگلیس کشور را غارت می‌کرد، دموکرات‌های مجلس دوم برای تأمین کسری بودجه بر روی روده گوسفند، تریاک و نمک مالیات وضع می‌کردند (آبادیان، ۱۳۸۳: ۵۷۴).

این روندها علت حمایت بریتانیا از گروه‌هایی از مشروطه‌طلب‌های ایرانی و ارتباط محافل از سرمایه‌سالاران بیگانه با تحولات ایران را نشان می‌دهد. در طول دوره مشروطه روند تسلط مالی انگلیس بر ایران تشدید و به دلیل بی‌ثباتی انباشت سرمایه کاهش یافت. مالیات زیادی از کالاهای داخلی گرفته می‌شد اما کالای خارجی از هر نوع مالیات معاف بود. سرنوشت محصولات مثل پنبه، کتیرا، برنج، پیله ابریشم، تریاک، خشکبار و قالی در انحصار شرکت‌های خارجی قرار گرفت. سرمایه محلی نقش بسیار ناچیزی در صادرات داشت. میزان رشد اقتصادی ایران در دوره مشروطه تا اولتیماتوم و پس از آن روندی معکوس داشت (آبادیان، بی‌تا: وب سایت مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی).

ایرانیان بعد از مشروطه هنوز هم گرفتار بیماری، از جمله بیماری‌های همه‌گیر نظیر وبا و قحطی و سوء تغذیه بودند. نبود بهداشت یا دانش روش‌های اساسی پیشگیری بهداشتی ادامه داشت، چنان‌چه از آموزش ابتدایی و متوسط نیز (به جز تعلیم و تربیت اسلامی) که می‌توانست بر بهداشت و یک رشته رفتارهای دیگر تأثیر بگذارد، خبری نبود. در این دوره چند پزشک و مدرسه‌ی امروزی، چه با کمک خارجی‌ان و چه به صورت محلی، به وجود آمد. نهضت مشروطه با ایدئولوژی لیبرال مورد حمایت روشنفکران، حرکتی برای دست‌یابی به عدالت، برابری و استقلال، ولی اراده‌ی ملت، را برای دستیابی به حاکمیت سیاسی و شأن و منزلت ملی، کامیابی به همراه نداشت. روستانشینان با ارزش‌های انقلاب مشروطه بیگانه بودند و نمی‌دانستند چگونه تغییرات می‌تواند در سرنوشت و زندگی آنان تأثیر داشته باشد (فتحی، ۱۳۸۳: ۲۰۵).

علی‌رغم تدوین قانون اساسی بسیاری از مناسبات هرگز به شکل مردم سالارانه در نیامدند. به دلایل گوناگون مشروطیت، آن‌گونه که شرکت کنندگان در آن آرزو می‌کردند درست پیگیری نشد و به سرانجام مطلوبی نرسید. بر روی مفاهیم اساسی مثل آزادی توافق وجود نداشت. علما جز گروه‌هایی بودند که با نوسازی در قالب مشروطه و به مفهوم غربی آن مخالف بودند. در مشروطه ابتدا علمایی مانند نائینی و آخوند خراسانی طرفدار مشروطیت بودند ولی فلسفه سیاسی مشروطیت غربی را قبول نداشتند. روحانیون شرکت کننده در انقلاب مشروطه چه مخالفان و چه گروهی که خواهان بقای مشروطیت در مقابله با استبداد بودند، هر دو گروه در نفی ارزش‌ها و چارچوب اصول فکری انقلاب مشروطیت اشتراک داشتند. تفاوت آشکار بین اندیشه‌ی نائینی با مشروطه غربی وجود داشت.

در اندیشه‌ی سیاسی نائینی جایی برای نظام سیاسی برآمده از اندیشه‌ی غربی وجود نداشت. مراد او از اکثریت آراء، همان شور و مشورت بود. او مساوات را نه در حیطه‌ی سیاسی، بلکه در قلمرو قضایی و در چارچوب اسلام معنا می‌کرد. او قانون را تنها قانون الهی می‌دانست و لاغیر (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۸، ۳۲ و ۳۳). مقاومت علما به شهادت آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری و تبعید سید عبدالله بهبهانی ختم شد. این در حالی بود که آخوند خراسانی و آیت‌الله مازندرانی از شیخ عبدالله، طلاب، تجار و کسبه حامی آن‌ها در مقابله با روشنفکرانی چون تقی‌زاده و فراماسونرها حمایت می‌کردند (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ج ۲/ ۴۱۸). علمای فوق‌الذکر به شدن نسبت به تصویب قوانین خلاف اسلام نگران بودند این روند با ترور سیدعبدالله بهبهانی، کشتار مجاهدان و مرگ مشکوک آخوند خراسانی به تسلط افراطیون سکولار انجامید (نجفی و فقیه حقانی، پیشین: ۳۰۷).

بدیهی است در چنین شرایطی نظام مردم سالار مشروطه نمی‌توانست استمرار یابد. لذا تلاش مجموعه گردانندگان نهضت برای غلبه بر مشکلات اقتصادی از طریق اصلاحات سیاسی یاد شده راه به جایی نبرد و زمینه را برای تحکیم سلطه استبداد داخلی و خارجی و استعمار خارجی پدید آورد و انقلاب را از بُعد اقتصادی به شکست کشاند. در واقع مشروطیت به‌عنوان معلول فرایند نوسازی به سبک انگلیسی قدرت طبقات حاکم مسلط در روستاها و مناسبات زمینداری مسلط را تغییر نداد. انقلاب مشروطیت پدیده‌ای کاملاً شهری بود و توده‌های منزوی جمعیت روستایی که اکثریت جمعیت آن روز ایران را تشکیل می‌دادند در تأسیس مجلس و مشروطه نقشی نداشتند (کارشناس، ۱۳۸۲: ۸۶۸).

## ۱۲. نتیجه‌گیری

نوسازی با هدف دستیابی به توسعه اقتصادی نظریه‌ای است که بعد از جنگ جهانی دوم متأثر از استقلال کشورهای مستعمره، گسترش ایدئولوژی کمونیسم و ظهور آمریکا به‌عنوان ابرقدرت پیروز بعد از جنگ به‌صورت رسمی و توسط مراکز تحقیقاتی و سیاستگذاری غربی به کشورهای تازه استقلال یافته توصیه می‌شد. این درحالی است که بررسی تاریخی در مورد نحوه حضور سیاسی و اقتصادی قدرت‌های استعمارگر قبل از جنگ به مانند بریتانیا در کشورهای آسیایی به مانند ایران نشان می‌دهد که نظریه نوسازی تجربه عملی این کشورها برای تحریف و ایجاد ساختارهای اقتصادی مورد نظر در کشورهای هدف استعمار در از ابتدای قرن نوزدهم بوده است. شواهد و قرائن زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد امپراطوری بریتانیا از طریق حمایت از حکومت‌های استبدادی، سرکوبی نیروهای اصیل ملی، مذهبی، مقابله با طبقات تولیدگر مانند کشاورزان و صنایع بومی، ایجاد و حمایت از طبقات سوداگر وابسته، تسلط بر گلوگاه‌های مالی، تجاری مانند بانک، گمرک، ارایه وام و دریافت امتیازات اقتصادی، حمایت از فراماسونری و روشنفکران متأثر از غرب، تشدید شکاف‌های

سیاسی و حمایت از بی‌ثباتی سیاسی در مواقع حساس، از میان برداشتن رهبران ملی و مذهبی به دنبال ایجاد ساختارهای اقتصادی وابسته در پوشش ایجاد تحولات جدید و حرکت از اقتصاد سنتی و معیشتی به سمت اقتصاد مدرن بوده‌اند. این روند باعث شد تا ایران علی‌رغم وجود نیروهای اجتماعی و سیاسی مستقل و تأمین نیازهای اقتصادی و صادرات قابل توجه تا انقلاب مشروطه و بعد از آن به یک کشور بی‌ثبات، مصرفی و واردکننده تبدیل شوند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- آبادیان، حسین (۱۳۸۳). **بحران مشروطیت در ایران**. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی. آدمیت، فریدون (۱۳۲۴). **امیر کبیر و ایران**. تهران: چاپخانه مهر.
- (۱۳۶۲). **امیر کبیر و ایران**. تهران: انتشارات خوارزمی.
- اجلالی، فرزاد (۱۳۷۳). **بنیان حکومت قاجار، نظام سیاسی ایلی و دیوانسالاری مدرن**. تهران: نشرنی.
- اشرف، احمد (۱۳۴۷). **نظام فئودالی و آسیایی**. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- (۱۳۵۹). **موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه**. تهران: زمینه.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۷۴). **چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصر الدین شاه**. به کوشش ایرج افشار، ج ۱، تهران: اساطیر.
- برومند، صفورا (۱۳۸۱). «کنسولگری بوشهر و قاچاق اسلحه در خلیج فارس، ۱۸۹۰-۱۹۹۴»، **فصلنامه تاریخ روابط خارجی**، سال سوم، شماره ۱۰، بهار.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰). موانع توسعه سیاسی در ایران. تهران: گام نو.
- تره زال، آلفونس (۱۳۶۱). **یادداشت‌های ژنرال در سفر به ایران (سال‌های ۱۷۸۰-۱۸۱۲ م)**. به اهتمام و ترجمه عباس اقبال، تهران: انتشارات فرهنگ.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۶۲). **عصر بی خبری**. تهران: اقبال.
- (۱۳۹۱). «چگونگی استقرار انگلیسی‌ها در تهران»، **دوماهنامه بخارا**، سال پانزدهم، شماره هشتم، خرداد و شهریور.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۸۱). **تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق**. تهران: امیرکبیر.
- حسام مقدم، اصغر (بی‌تا). «اقتصاد سیاسی مشروطه». **وب سایت مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی**. تاریخ دسترسی ۱۳۹۷/۵/۱۱.
- حکیمی، محمود (۱۳۶۷). **داستان‌هایی از زندگی امیر کبیر**. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دوبد، بارون کلمنت اوگوستوس (۱۳۷۱). **سفرنامه لرستان و خوزستان**. ترجمه محمد حسین آریا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رایس، دنیس (۱۳۶۴). **ایرانیان در میان انگلیسی‌ها**. ترجمه کریم امامی، تهران: نشر نو.
- رائین، اسماعیل (۱۳۵۷). **فراموشخانه و فراماسونری در ایران**. تهران: امیر کبیر.
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۷۶). **آشنایی با اقتصاد ایران**. تهران: نشر نی.
- رضا قلی، علی (۱۳۷۷). **جامعه‌شناسی نخبه‌کشی: قائم مقام، امیر کبیر و مصدق**. تهران: نی.
- رکن زاده، محمد حسین (۱۳۵۲). **دلبران تنگستان**. تهران: اقبال.
- سی میلر، ریموند (۱۳۹۰). **اقتصاد سیاسی بین‌الملل، جهان بینی‌های متعارض**. ترجمه محمد علی شیرخانی، احمد فاطمی‌نژاد و علی رضا خسروی، تهران: سمت.

- شاهدی، مظفر (۱۳۷۵). **قروض ایران و نتایج آن**. مجموعه مقالات تاریخ معاصر ایران. کتاب دهم. تهران: بی‌نا.
- شریف کاشانی، محمد مهدی (۱۳۶۲). **واقعات اتفاقیه در روزگار**. به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، ج ۲، تهران: تاریخ معاصر.
- شهبازی فراهانی، داریوش (۱۳۷۸). **تاریخ سکه دوره قاجاریه**. تهران: نشر پلیکان.
- شهبازی، عبدالله (۱۳۷۹). **زرسالاران یهودی و پارسی استعمار بریتانیا و ایران**. ج ۳، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- شیل، لیدی ماری (۱۳۶۸). **خاطرات لیدی ماری شیل**. ترجمه حسن ابوترابیان، تهران: نشر نو.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۵۷). **اسناد سیاسی دوره قاجار**. تهران: بابک.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲). **تاریخ اقتصاد ایران**. ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
- فتحی، کوروش (۱۳۸۳). «عبدالرحیم طالبوف (زندگی، آثار، اندیشه‌ها)»، **مشروطه خواهی ایرانیان (مجموعه مقالات)**، گردآورنده ناصر تکمیل همایون، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (انتشارات باز).
- فلور، ویلم (۱۳۶۶). **جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار**. ترجمه ابوالقاسم سری، ج ۲، تهران: توس.
- فیوضات، ابراهیم (۱۳۷۴). **توسعه صنعتی و موانع آن در ایران**. تهران: چاپخش.
- کاتوزیان، همایون (۱۳۷۲). **اقتصاد سیاسی ایران**. ترجمه ی محمد رضا نفیسی. تهران: نشر مرکز.
- (۱۳۸۰). **دولت و جامعه در ایران**. ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.
- کارشناس، مسعود (۱۳۸۲). **نفت، دولت و صنعتی شدن در ایران**. مترجمان یوسف حاجی عبدالوهاب و علی اصغر سعیدی، تهران: گام نو.
- کاساگوفسکی، ولادیمیر آندریویویچ (۱۳۴۴). **خاطرات کاکوفسکی**. ترجمه عباس قلی جلی، تهران: امیرکبیر.
- کدی، نیکو. آر (۱۳۸۵). **ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان**. ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: نشر ققنوس.
- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۸). **ایران و قضیه ایران**. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۱، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۸۱). **چالش مذهب و مدرنیسم: سیر اندیشه سیاسی مذهبی در ایران نیمه اول قرن بیستم**. تهران: نشر نی.
- گریوز، رز (۱۳۷۹ و ۱۳۸۰). «موقعیت سیستان در خط مش بریتانیا در برابر مرزهای سیستان»، ترجمه معصومه ارباب، **فصلنامه تاریخ روابط خارجی**، سال دوم، شماره ۵ و ۶ زمستان ۷۹ و بهار ۱۳۸۰
- گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۹). **درآمدی بر جامعه‌شناسی استبداد ایرانی**. تهران: مازیار.
- لایارد، آستن هنری (۱۳۷۶). **سفرنامه لایارد**. ترجمه سهراب امپری، تهران: انتشارات نازان.
- لمبتون، آن (۱۳۳۹). **مالک و زارع در ایران**. ترجمه منوچهر امیری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- (۱۳۵۹). نظریه‌های دولت در ایران. ترجمه چنگیز پهلوان، تهران: کتاب آزاد.
- (۱۳۷۵). ایران در عصر قاجار. ترجمه سیمین فصیحی. ج ۱. تهران: جاودان خرد.
- محیط طباطبایی، محمد (۱۳۲۷). مجموعه آثار میرزا ملکم خان. تهران: علمی.
- مردیها، مرتضی (۱۳۷۹). در دفاع از عقلانیت. تهران: نقش و نگار.
- معتضد، خسرو (۱۳۶۶). حاج امین الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران. تهران: انتشارات جانزاد.
- (۱۳۸۸). حاج امین الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران. تهران: البرز.
- مکی، حسین (۱۳۶۵). زندگی میرزا تقی خان امیر کبیر. تهران: انتشارات ایران.
- مهمید، محمد علی (۱۳۶۱). پژوهشی در تاریخ دیپلماسی ایران قبل از هخامنشیان تا پایان قاجاریه. تهران: نشر میترا.
- نجفی، موسی؛ موسی فقیه حقانی (۱۳۸۷). تاریخ تحولات سیاسی ایران. تهران: امیرکبیر.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۹۲). تاریخ روابط خارجی ایران. ج ۱۹، تهران: امیرکبیر.
- ی سو، آلون (۱۳۷۸). تغییر اجتماعی و توسعه. ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Chanda , Nayyan, Bound Together: **How Traders, Prosperity of the Modern World: Geographical Diffusionism and Eurocentric History**, Guilford Press: New York, 1993

H. M. Davis. **Constitutions Electoral Laws And Miiddle East** . London, 1960

پیشگاہ علوم انسانی و مطالعات اسلامی  
پرتال جامع علوم انسانی